

اهمیت آموزش واژگان پایه در دبستان

دکتر حسن ذوالفقاری

۱. **واژگان نوشتاری کودکان** (۱۳۵۲ فرهنگستان زبان ایران): این کتاب حاصل اولین پژوهش درباره واژگان نوشتاری کودکان ایران است. در این پژوهش، از مجموع ۱۰۸۵ نام در سال‌های منتهی به سال ۱۳۵۲ که کودکان دبستانی از ۹۰۸ دبستان و ۱۶۰ شهر در سراسر ایران برای «مرکز ملی آموزش بزرگسالان» ارسال کرده بودند، ۹۸۷۶۹ واژه استخراج شد. از این تعداد ۸۷۱۲ صورت زبانی و ۴۵۹۸ واژه مختلف به ثبت رسیده است. سپس بر اساس پراکنندگی و بسامد واژه‌ها، تعداد ۷۷۵ واژه به‌عنوان «واژگان نوشتاری» کودکان انتخاب شد.

۲. **فهرست پرتکرارترین واژه‌های خردسالان** (۱۳۵۷ مرکز ملی آموزش بزرگسالان): نوشته لیلی ایمن که واژگان کودکان شش تا یازده سال را در بر می‌گیرد. این کتاب با همکاری گروهی متخصص انجام شده است. واژه‌های این پژوهش از نوشته‌های خردسالان، کتاب‌های پر فروش کودکان و گفتار آن‌ها به دست آمده است.

۳. **فرهنگ دبستانی**: گیتی شکری (۳۷۴ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) کتاب شامل حدود پانزده هزار واژه است. پیکره آن طی طرح پژوهشی، بر اساس واژه‌های کتاب‌های درسی پنج‌ساله دوره ابتدایی و پنجاه کتاب غیردرسی کودکان همین گروه سنی، مجله‌های کیهان بچه‌ها، پیک و مجلات رشد و نیز مواد گفتاری در برنامه کودک و نوجوان صداوسیما به دست آمده است. در تهیه این پیکره، واژه‌های دو منبع مهم مربوط به واژگان کودک، یعنی *واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایرانی*، اثر فریدون بدره‌ای (۱۳۵۲) و *فهرست پرتکرارترین واژه‌های خردسالان*، اثر لیلی ایمن (۱۳۶۸) نیز لحاظ گردیده است. این فرهنگ معنای واژه‌ها را به زبانی ساده توضیح داده و برای برخی از واژه‌ها، مثال هم آورده است.

واژگان پایه برای هر زبان، هم در امر آموزش آن زبان و هم برای پژوهش‌های اساسی زبان‌محور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجاکه تحقیق‌های مربوط به واژگان پایه کودک نیز پایگاه اطلاعاتی مفیدی برای تهیه و تألیف کتب درسی و کمک‌درسی، داستان و دیگر آثار مربوط به گروه‌های سنی مختلف کودکان در دسترس قرار می‌دهد، از اهمیت خاصی برخوردارند.

واژگان پایه به مجموعه‌ای از واژه‌های هر زبان اطلاق می‌شود که دارای بالاترین بسامد رخداد در گونه‌های گفتاری و نوشتاری خاص آن زبان هستند. ممکن است از واژگان پایه سطوح سنی خاص (مثلاً کودکان) یا واژگان پایه زبانی برای مقاصد خاص (مثلاً آموزش زبان به غیراهل زبان) یا در محدوده یا ژانری خاص (مثلاً واژگان پایه ادبیات نوجوانان) نیز سخن به میان آید که در این صورت با پربسامدترین واژه‌های متون مربوط به آن سطوح خاص سنی، آن مقاصد ویژه و یا آن ژانرها و محدوده‌های خاص، سروکار خواهیم داشت. واژه‌هایی که فرد به هنگام سخن گفتن یا نوشتن یعنی به هنگام تولید زبان از آن‌ها استفاده می‌کند «واژگان تولیدی» واژه‌هایی که فرد به هنگام شنیدن یا خواندن آن‌ها در یک متن معنایشان را درک می‌کند، «واژگان ادراکی» خواننده می‌شود.

به دلیل اهمیت این واژگان در آموزش دبستانی طی پنجاه سال گذشته کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده است:

۱ عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

این فرهنگ شامل واژه‌هایی چون بسیم، ثلاث، جرابه، پاتین، اکتویی، تلواسه، تلمیذ، تلبث، جاثلیق، جاثم، بنو، کیلگان، ماضع، گراهیدن، مشتوک، نارباجه، نوجبه، نهب کردن، نه خراس، نهامی و بسیاری واژه‌های دیگری از این دست است. به نظر نمی‌رسد این کلمات را با تکیه بر شم زبانی هم در محدوده واژگان پایه کودکان و حتی نوجوانان به حساب آورد. در واقع تعداد این گونه واژگان به قدری در این اثر زیاد است که شاید بهتر می‌بود نام آن را به جای فرهنگ آسان، فرهنگ واژگان مهجور می‌گذاشتند.

این آثار جز کتاب دکتر نعمت زاده هریک ایرادهایی به شرح زیر دارند:

۱. مبتنی بر پیکره‌های واقعی و تعریف شده نیستند؛
 ۲. روش تعریف شده و علمی ندارند و یا در مقدمه به آن اشاره نکرده‌اند؛
 ۳. وجود بسیاری از مقوله‌های غیرواژگانی مثل عبارت‌ها، اصطلاحات، ترکیبات وصفی و اضافی، کنایات و امثال و... به عنوان مدخل اصلی؛
 ۴. نوع دستوری واژگان خود را مشخص نکرده‌اند؛
 ۵. مرز بین واژگان خواننداری و نوشتاری و شنیداری مشخص نشده است (جز واژگان نوشتاری بدره‌ای)؛
- امروزه لازم است وزارت آموزش و پرورش با راه‌اندازی وبگاه برخط، این واژگان را در اختیار مؤلفان، نویسندگان و شاعران کودک، مترجمان، مربیان و معلمان، خانواده‌ها، و سایر کسانی که با کودک در ارتباط مستقیم هستند، قرار دهد. واژگان پایه ابزار اصلی کار با کودک است. با این واژگان می‌توان ذهن و زبان وی را به نحوی فعال کرد که نیازهای حال و آینده‌اش را برآورد و گنجینه‌ای غنی از کلمات داشته باشد. این گنجینه است که می‌تواند چهار مهارت زبانی را تقویت کند.

منابع

- انوری، حسن و منیژه گازرانی (۱۳۸۳). فرهنگ کودکان سخن، تهران: انتشارات سخن.
- ایمن، لیلی (۱۳۵۷). واژگان نوشتاری و گفتاری کودکان ۱۲-۶ ساله / ایرانی. تهران: مرکز ملی آموزش بزرگ‌سالان.
- بدره‌ای، فریدون (۱۳۵۰). واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران. تهران: فرهنگستان زبان ایران.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۰). فرهنگ آسان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران.
- شکری، گیتی، (۱۳۷۴). فرهنگ دبستانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نعمت‌زاده، شهین، محمد دادرسی، مهدی دستجردی کاظمی و محرم منصوری زاده (۱۳۹۰). واژگان پایه فارسی از زبان کودکان ایرانی. تهران: انتشارات مدرسه.

۴. فرهنگ کودکان سخن (۱۳۸۳ انتشارات سخن): اثر حسن انوری و منیژه گازرانی. اساس این فرهنگ ارائه معنای واژه‌ها با مثال، جمله و تصویر است، اما توضیحی درباره پیکره مورد استفاده، چگونگی انتخاب مدخل‌ها و اصولاً روش کار نمی‌دهد. تعداد واژه‌های این فرهنگ حدوداً ۲۷۵۲ است که در خود اثر ذکر نشده است.

۵. واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی (انتشارات مدرسه ۱۳۹۰): که بر اساس طرحی است که به سفارش سازمان پژوهش و اجرای دکتر شهین نعمت‌زاده و همکاران پدید آمده است. این طرح به بررسی واژگان پایه کودکان دبستانی پرداخته است؛ یعنی پرسامدترین کلماتی را که در زبان کودکان فارسی زبان ایران در دوره آموزش ابتدایی (پایه اول تا پایه پنجم ابتدایی) به کار رفته، شناسایی، استخراج و طبقه‌بندی کرده است. در این پژوهش، واژه‌های تولیدی و ادراکی هریک از پنج پایه ابتدایی، در سه مقوله واژگانی اسم، صفت و فعل، به صورت بسامدی، ارائه شده است. برای استخراج واژگان تولیدی و ادراکی ۲۹ استان، ۱۹۳۴۹ دانش‌آموز ابتدایی، ۷۵۰ معلم و ۱۷۵ مدرسه در آزمون‌های این طرح، شرکت کرده‌اند. این طرح پیکره‌بنیاد، داده‌های خود را از طریق سه آزمون ادراکی، تولیدی و معلمان جمع‌آوری کرده است. در آزمون تولیدی، از دانش‌آموزان خواسته شده که در زمانی معین و در چارچوب خاصی سخن بگویند یا مطالبی را بنویسند. در آزمون ادراکی شیوه کار به این صورت بوده که تعدادی واژه از پیش تعیین شده در مقولات سه‌گانه اسم، فعل و صفت بر اساس تک‌تصویرهایی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. دلیل محدود کردن کار به این سه مقوله دستوری اهمیت و بسامد زیاد آن‌ها در مقایسه با مقولات دستوری دیگر بوده است؛ به علاوه برای نمایش موضوعی واژه‌ها با توجه به کاربرد آموزشی آن‌ها طبقه‌بندی خاصی ابداع شد که دارای ۲۴ موضوع است. در این طبقه‌بندی موضوعی که به صورت چندگانه تنظیم شده است، هر واژه در موضوع‌های متعددی قرار می‌گیرد.

۶. فرهنگ آسان (۱۳۹۰) کانون فکری کودکان و نوجوانان: اثر مصطفی رحماندوست در سه جلد. این فرهنگ بر اساس پیکره‌ای متشکل از کتاب‌های مختلف کودکان، فرهنگ‌های بزرگ‌سالان، برنامه‌های تلویزیونی و مجلات کودک و نوجوان تهیه و تدوین شده و بنابراین چون پیکره مشخص و تعریف شده‌ای ندارد، واژگان آن شامل انواع کلمات عربی، مهجور و قدیمی، ادبی و نیز واژگان تخصصی رشته‌های گوناگون علوم از زیست‌شناسی و پزشکی تا فیزیک و شیمی است. این فرهنگ اگرچه به وسیله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده اما مخاطبان آن به راستی کودکان نمی‌توانند باشند؛ زیرا دامنه متنوع واژگان موجود در آن از سطح دانش واژگانی کودکان بسیار فراتر است و در آن بسیاری از واژگان مهجور، قدیمی، عربی و تخصصی نیز مدخل شده‌اند. به عنوان مثال

گفت و گو با مؤلفان کتاب‌های درسی (۳۵)

دکتر محمد سلحشور

تنظیم مصاحبه: گیتی قریب^۱

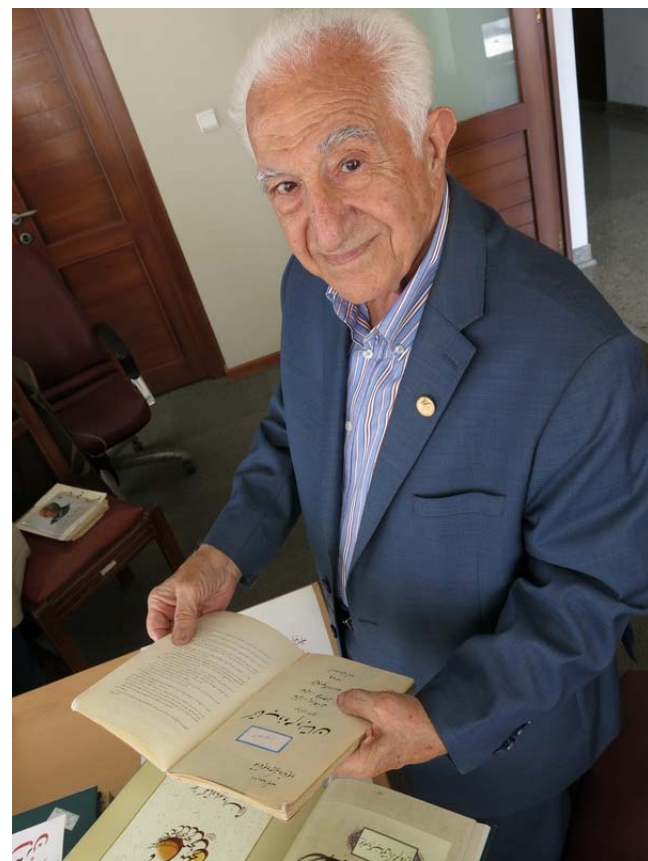
برگه دانش‌آموزان داده بود. وقتی به ورقه من رسید، گفت فرزند شما چقدر خطاطی کار کردی؟ گفتم من اصلاً خطاطی کار نکردم، گفت شما شانزده شدی؛ یعنی از دو داده بود تا دوازده و من یکی استثناء شده و شانزده گرفته بودم و برایم یک تشویق بجا از طرف معلم به وجود آمد و دنبال خوشنویسی را گرفتم. کلاس پنجم دبستان را تمام کردم تعطیل شدیم. مدرسه ما دبستان فرهنگ بود که باغی سه چهار هزار متری و بی‌نهایت قشنگ بود. دبستان فرهنگ حوزه امتحان نهایی دبستان‌های ابتدایی کلاس ششم بود، یک‌وقت دیدم سرایدار مدرسه دنبال من آمد و گفت قلم و دوات را بیاور. گفتم چه خبر است؟ گفت آقای متولی (معلم خط) مریض شده و باید از دانش‌آموزان کلاس ششم امتحان نهایی بگیریم. شما باید به جای ایشان امتحان بگیرید. من گفتم خودم کلاس پنجم هستم حالا باید از کلاس ششمی‌ها امتحان نهایی بگیرم! معلمی که بجا تشویق کرد. من آنقدر اشتیاق پیدا کرده بودم که امتحان ششم نهایی را قرار است من بگیرم؛ اما نمره را من ندادم. آقای متولی خدا رحمتشان کند خط خیلی خوبی هم داشتند؛ حتی خطاطی کاشی هم انجام می‌دادند. این اولین خاطره من از خوشنویسی بود چون تشویق بجا انجام دادند، آن استعدادی که خودم نمی‌شناختم شکوفا شد. رفتم دبیرستان آقای علی آقاحسینی خط من را دید و گفت فرزندم چقدر خط کار کردی؟ گفتم خودم و بعد هم معلم کلاس پنجم و ششم کمی مرا تعلیم دادند. گفت تو خیلی خوب می‌نویسی و این باعث شد که من به کلاس استاد حسن زرین خط (۱۲۷۳-۱۳۵۷) رفتم و خدمت این استاد بزرگوار تعلیم دیدم؛ خدا ایشان را رحمت کند. آدم درویشی بود؛ و هر کاری می‌کردم پول نمی‌گرفت. من خجالت می‌کشیدم بروم آنجا. می‌گفتم «استاد من روم نمی‌شه؛ می‌گفت نه فرزندم تو کسی هستی که آینده من را نگر می‌داری؛ تو استعداد و علاقه‌ای که داری را نگه‌دار من می‌شوی». یک‌بار برای جبران زحمت استاد؛ در زمان بچگی با همان فکر آن زمان برایش یک جفت کفش خریدم به‌عنوان هدیه. شاید مثلاً کفش را ده تومان خریده بودم به ایشان دادم و قبول کرد و خیلی خوشحال شدم. دفعه بعد دیدم یک قواره پارچه برای من خریده، دیدم من کفش را خریدم ده تومان و او پارچه را پنجاه تومان خریده. هرچه اصرار کردم که نمی‌توانم قبول کنم گفت فرزندم این حرف‌ها نیست. تو نگهدار آینده من هستی. زمانی که پیش ایشان می‌رفتم، ایشان سکنه کرده بود و دستش دچار مشکل شده بود و نمی‌توانست تعلیم بدهد، اما گفتار تعلیمی‌اش بی‌نهایت مؤثر بود و من نزد استاد در خط به یک تکامل نسبی رسیدم.

• شما چند تا فرزند دارید؟ آن‌ها هم مثل شما خوش‌نویس شدند؟

چهار فرزند دارم که همگی کارشناسی ریاضی از دانشگاه تهران هستند. فرزندانم یک مقدار خوش‌نویس شدند ولی بیشتر به سمت نقاشی رفتند.

• چه سالی با استاد سید حسین میرخانی آشنا شدید؟

سال ۱۳۲۸ در کلاس‌های هنرهای زیبای آن زمان.

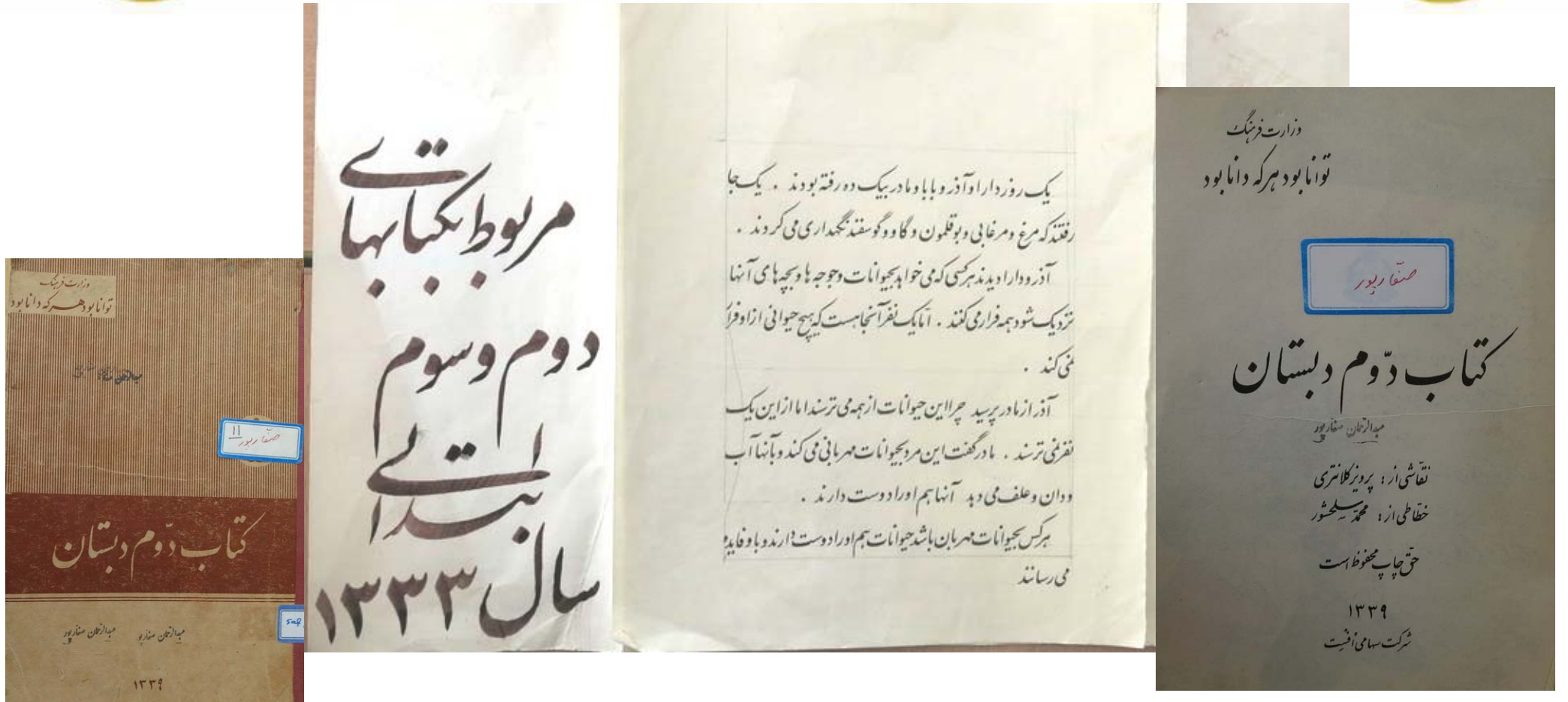


عکس از: رحمت‌الله فلاح

در این شماره از خبرنامه در خدمت آقای دکتر محمد سلحشور، از خطاطان کتاب‌های درسی مدارس (دهه سی تا دهه هفتاد) هستیم. در ابتدا معرفی ایشان را از زبان خودشان نقل می‌کنیم:

متولد ۱۳۱۱/۱۱/۱۱ هستم. البته در این یک لطافتی هست. من متولد ۱۳۱۱/۱۱/۹ هستم؛ اما برای ردیف شدن اعداد می‌گویم ۱۳۱۱/۱۱/۱۱؛ یکی دو روز اشکالی ندارد باعث لطافت گفت‌وگو می‌شود. در خیابان ری تهران متولد شدم. تاریخ خانوادگی ما بالای ۴۵۰ سال است که در تهران هستیم. پدر بزرگ پدر بزرگم میرزا اسدالله شیرازی بوده است (چهار نسل گذشته). کلاس پنجم دبستان خطم خیلی خوب بود اما تشویق بجایی هم به وجود آمد، معلم خط که سر کلاس آمد، گفت فرزندم دفعه بعد قلم و دوات و کاغذ دوات و مرکب بیاورید، من مطلبی روی تخته کلاس می‌نویسم، همه بنویسید؛ و به گمانم (توانا بود هر که دانا بود) را مرقوم فرمودند و ما نوشتیم. ورقه‌های دانش‌آموزان را جمع کرد و دفعه بعد ورقه‌ها را آورد و از نمره دو تا دوازده به

^۱ پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی مصاحبه در ۱۳۹۸/۴/۲۶ در گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان انجام شده است.



من در سال ۱۳۳۳ خطاطی کتاب‌های درسی را شروع کردم علتش هم این بود که در روزنامه آگهی کردند که افرادی را برای کتاب‌نویسی می‌خواهند.

- تمام متن کتاب به خط نستعلیق بود یا بخش‌هایی از کتاب؟

حدود سال‌های دهه چهل کتاب‌های ابتدایی کامل به خط نستعلیق بود. حدوداً در سال ۱۳۴۳ درس جغرافیای پنجم و ششم ابتدایی، کتاب رنگی بزرگی داشت که متن کتاب به خط من است. کتاب پنجم نقاشی اش جغرافیای جهان است. متن این کتاب ترجمه است و من جای ترجمه‌ها را با خط فارسی نوشتم. جغرافیای ششم کتابی بود که باید نقاشی ایران و رنگی و مطابق کتاب جغرافیای پنجم باشد. کرنلیوس دویت نقاش آمریکایی تصاویر کتاب جغرافیای پنجم^۱ را که جغرافیای جهان است کشیده بود. مؤسسه فرانکلین به فکرشان رسید که او را به ایران دعوت کنند. جلسه گذاشتند و من کتاب پنجم را نوشته بودم، کتاب ششم باید نقاشی می‌شد، یادم هست ایشان گفت من پانزده هزار دلار می‌گیرم و باید یک ماشین و یک خانه هم برای من بگیرید. من گفتم خودمان نقاشی کتاب جغرافی را انجام می‌دهیم. آقای همایون صنعتی‌زاده، مدیر انتشارات فرانکلین گفتند شاید نتوانید نقاشی کنید. گفتند بهترین کار این است که به روزنامه آگهی کنید، کسانی که برای جغرافیا می‌توانند نقاشی بکشند نمونه‌هایی از کار خود را بفرستند و سی‌چهل نفر آمدند و پنج‌شش نفر انتخاب شدند.

ما در کتاب‌ها سعی می‌کنیم زینت اجتماعی را زیاد کنیم که جاذبه داشته باشد. در آن سال‌ها پرویز کلانتری را که کارش خیلی وسیع بود و فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران بودند و نیز محمدزمان

- در خصوص نحوه آشنایی و علاقه‌مندی‌تان به خط توضیحاتی بفرمایید.
 - با تشویق‌های بجای معلم خط دوره ابتدایی جناب آقای متولی و تشویق‌های بجای جناب آقای آقاسینی معلم خط دوره دبیرستان و تشویق پدر و مادر به تعالی رسیدم.
 - چه سالی دکترای درجه یک هنر را از وزارت ارشاد دریافت کردید؟
- ۱۳۶۷/۱۱/۵ که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دکتر سید محمد خاتمی بودند دکترای درجه یک هنر را از وزارت ارشاد دریافت کردم و در زمان دکتر محمدحسین ایمانی خوشخو، معاون هنری وزارت ارشاد، به مدت هشت سال نماینده دکترای هنر بودم و بعد از آن به اتفاق استاد عباس اخوین این مسئولیت را به عهده داشتیم.
- شما در مدرسه تدریس هم داشتید؟
- بله؛ تحصیلات من حسابداری بود؛ اما در مدرسه دبیر ورزش بودم. استخدام وزارت آموزش و پرورش بودم و سال ۱۳۵۸ بازنشسته آموزش و پرورش شدم. حدود ۴۱ سال پیش بازنشسته شدم.
 - شما نزد استاد علی‌اکبر کاوه هم رفتید؟

پیش استاد علی‌اکبر کاوه هم رفتم. حدود دو سه سال نزد ایشان بودم. نزد استاد حسین میرخانی (سال ۱۳۲۸) هم یکی دو سال بودم. استاد علی‌اکبر کاوه هم پول (شهریه) نمی‌گرفت. ما پنج‌شش نفر بودیم؛ من و عبدالله فرادی، مرتضی عبدالرسولی، علی راهجیری، جهانگیر نظام‌العلماء و سیف‌اله یزدانی بودیم.
 - شما به چه طریقی وارد سازمان تألیف کتب درسی شدید و به‌عنوان خطاط کتاب درسی انتخاب شدید؟

۱ جغرافیای پنجم دبستان (۱۳۴۳). مؤلفان: محمدحسن زنگی، حسین خلیلی‌فر، لطف‌الله مفخم پایان. تصاویر: کرنلیوس دویت. خط: محمد سلحشور.

هرچه اصرار کردند من بر نداشتم. یکی از دوستانم استاد جهانگیر نظام‌العلماء به من گفت سلحشور اگر آن شصت هزار متر زمین را داشتی الآن چه کار می‌کردی؟ گفتم زنده نبودم. گفت چرا؟ گفتم می‌رفتم سر زمین نگاه می‌کردم که بیست جا را می‌سازند دق می‌کردم.

• خطاطی کتاب‌های درسی را در سال ۱۳۳۳ با استاد علی‌اکبر کاوه در آتلیه فرانکلین شروع کردید؟

خیر؛ در سال ۱۳۳۳ من و استاد سید حسین میرخانی کتاب‌های درسی دوم و سوم دبستان را به خط ریز نوشتیم. برای اینکه ریزنویسی کتاب‌های درسی با سرعت انجام شود به آتلیه فرانکلین گفتم که یک کتاب هم به استاد من، استاد سید حسین میرخانی بدهید.

• آیا هر سال کتاب‌ها را می‌نوشتید؛ یا یک سال که می‌نوشتید برای سال‌های بعد هم چاپ می‌شد؟

کتاب‌های جغرافیای پنجم و ششم در حدود پانزده سال با اصلاحات جدید چاپ می‌شد. گاهی اوقات متن‌هایی که ترجمه می‌شدند، شاید دوازده سال مدام عوض می‌کردم. می‌گفتند این دو خط را یک خط کن، این یک خط را دو خط کن. نکته‌ها زیاد بود، در صفحه جا کم بود برای همین مدام توازن خطی نسبت به صفحه به هم می‌خورد.

• یادتان هست آن موقع رئیس کتاب‌های درسی چه کسی بود؟
من استخدام آموزش و پرورش بودم و به نظرم می‌آید که دکتر محمدامین ریاحی بود. خدا رحمتش کند. دکتر محمدامین ریاحی مرد بسیار وارسته و خوبی بود.

• آشنایی شما با دکتر سلیم نیساری از چه سالی بود؟
سال ۱۳۵۰

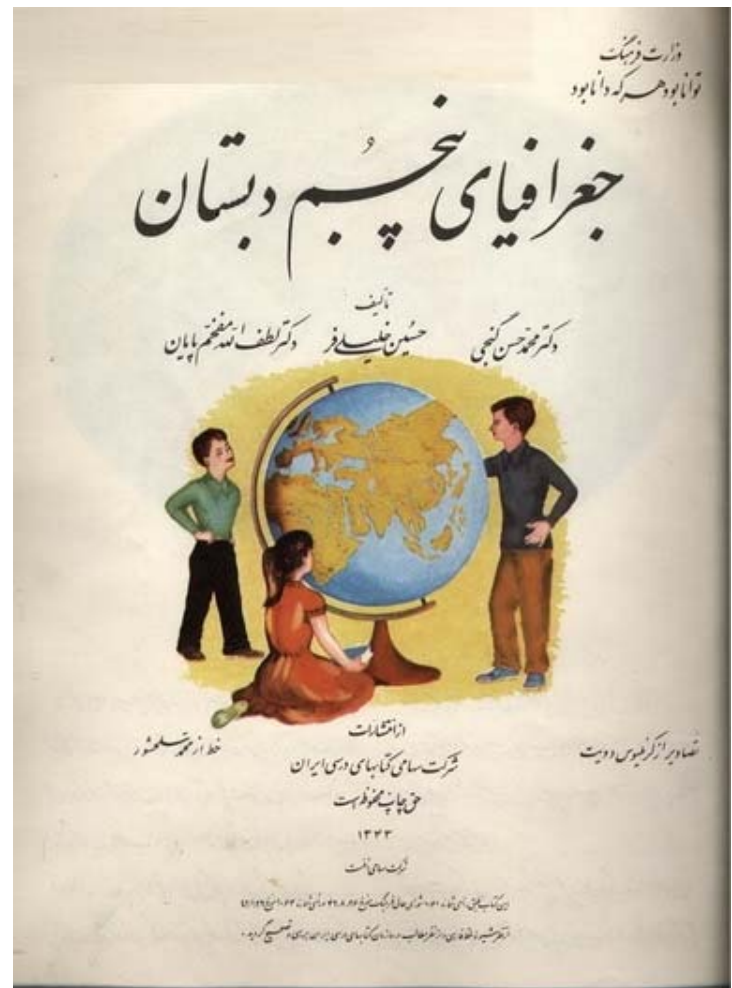
• شما صادق صندوقی را هم می‌شناختید؟
ایشان سال ۱۳۹۷ به رحمت خدا رفتند. حدود سال ۱۳۴۵ صادق صندوقی در دانشگاه (انستیتوی امور هنری) دانشجوی من بود. ایشان با ما همکاری می‌کرد. حدوداً در سال ۱۳۴۶-۱۳۴۷ به من گفت اگر به من ساعتی دو تومان بدهی من می‌آیم دفتر انتشارات هنر و کار می‌کنم. چون دانشجوی من بود و می‌دانستم کارش خوب است آمد دفتر انتشارات هنر و کار کرد.

• چه سالی استخدام آموزش و پرورش شدید؟
سال ۱۳۳۲؛ از سال ۱۳۳۳ هم کتاب‌های درسی را نوشتم. هم معلم ریاضی بودم هم معلم ورزش و هم معلم خط.

• یکی از خاطرات خود را از دوران تدریس در کلاس درس بفرمایید.
از تدریس کلاس خط یک خاطره برایتان تعریف می‌کنم. سر کلاس رفتم و دیدم هیچ‌کدام از بچه‌ها قلم و دوات ندارند، گفتم خواهش می‌کنم دفعه بعد همه عزیزان قلم و دوات و کاغذ بیاورید، دیدم سر میزها مثلاً سه نفر آوردند. ده نفر نیاوردند. رسیدم به بزرگ کلاس یادم نمی‌ره اسمش امیری بود.

زمانی را که رئیس آتلیه فرانکلین بود انتخاب شدند. پرویز کلانتری یک سال از من بزرگ‌تر بود. محمد زمان زمانی سه چهار سال از من بزرگ‌تر است. پرونده متقاضیان را آوردند و نقاش‌های خودمان در مؤسسه فرانکلین را هم صدا نکردند، وقتی گفتند صاحب نقاشی‌های منتخب داخل بیابند دیدیم هر سه تا نقاشی برنده یا انتخاب شده دست محمدزمان زمانی است. حالا هر سه تا را خودش نقاشی کرده بود اما یکی را به نام خواهرزاده‌اش، یکی را به نام دوستش، یکی به نام کس دیگر تا شانسش برای انتخاب بیشتر شود. ما دیدم نفر اول و دوم و سوم منتخب‌شدگان محمدزمان زمانی است. تصویرگر اصلی کتاب‌های درسی محمدزمان زمانی بود و پرویز کلانتری نفر دوم بود. محمدزمان زمانی بی‌نهایت در تصویرگری کتاب درسی سهیم است. ایشان قبل از انقلاب به آمریکا مهاجرت کردند.

مؤسسه فرانکلین محمدزمان زمانی را شش ماه به مؤسسه فرانکلین در آمریکا فرستاد در طول شش ماهی که به آنجا رفت آتلیه فرانکلین در آمریکا گفتند هر کاری به ایشان می‌دهند با سرعت انجام می‌شود و دیگر آتلیه کاری ندارد و همه کارها را ایشان انجام دادند. مؤسسه فرانکلین هم خوب پول می‌داد. محمدزمان زمانی هنوز هم زنده است و در آمریکا زندگی می‌کند و بسیار پیر شده است.



• دستمزد شما آن موقع برای هر صفحه چقدر بود؟

پانزده تومان بود. پانزده تا یک تومانی. آن موقع آریاشهر زمین متری پنج ریال بود؛ یعنی من یک صفحه که می‌نوشتم سی متر زمین می‌توانستم بخرم؛ پول خوبی بود. آن موقع شصت هزار متر زمین به من می‌داند متری پنج ریال.



عکس از: رحمت‌الله فلاح

قدبلندها آخر کلاس می‌نشستند. بعد آمدم پای تخته که معمولاً دو تا سکو داشت و ما می‌رفتیم بالای سکو صحبت می‌کردیم. رفتم بالای سکو و گفتم من این دفعه همه کسانی را که قلم و دوات نیاوردند به خاطر آقای امیری که بزرگ کلاس است می‌بخشم؛ اما دفعه بعد تکرار نشود. جلسه بعد دیدم امیری دم در ایستاده جوری که می‌خواهد با من صحبت کند؛ گفت استاد من به خاطر شما یقه همه بچه‌ها را گرفتم که باید همه چیز بیاورید. همه بچه‌ها قلم و دوات آوردند. یعنی من یک لطافت به خرج دادم، او هم عکس‌العمل خوبی به وجود آورده بود و کلاس‌های من خوب شده بود و بعد چون معلم ورزش هم بودم بچه‌ها دیدند که من ورزشکار هم هستم به من مرحمت داشتند. حق‌الزحمه خیلی کمی می‌گرفتم یک روز رفتم سر کلاس جبر؛ معلم ورزش بودم و در حیاط مدرسه به دانش‌آموزان ورزش می‌دادم که مدیر مدرسه گفت سلحشور شما که ریاضیات خوبه برو به بچه‌ها جبر درس بده. رفتم سر کلاس و گفتم بچه‌ها مسئله چی بود؟ بچه‌ها مسئله را آوردند و دیدم که حل مسئله را یادم رفته و بعد گفتم بچه‌ها چه کسی می‌داند؟ یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت من می‌دانم. گفتم بیا پای تخته. مسئله را حل کرد؛ متوجه شدم که درست حل کرده و گفتم احسنت. گاهی اوقات می‌طلبید که معلم با شاگردان دوست باشد.

• تدریس شما در کدام منطقه آموزش و پرورش تهران بود؟

منطقه پنج آموزش و پرورش تهران. من در دبیرستان بدر حسابدار، معلم ورزش و به صورت حق‌التدریس معلم تعلیم خط بودم. رئیس دبیرستان جناب آقای روشنی بودند که خانمشان هم در همان منطقه، منطقه پنج آموزش و پرورش، رئیس دبیرستان بودند. نه من ایشان را می‌شناختم و نه ایشان من را. آقای روشنی گواهینامه‌های مربوط به کلاس ششم را می‌دادند من می‌نوشتم. روزی در حضور رئیس منطقه پنج بودیم که خانم روشنی گواهینامه‌ها را آوردند تا رئیس منطقه ببیند. رئیس از ایشان پرسیدند اسامی را چه کسی به این زیبایی نوشته است ایشان هم گفتند آقای سلحشور. رئیس منطقه از ایشان پرسیدند آیا آقای سلحشور را می‌شناسید؟ ایشان گفتند فقط اسمشان را می‌دانم. شوهر من که رئیس دبیرستان بدر هستند گواهینامه‌ها را به آقای سلحشور می‌دهند و ایشان هم لطف می‌کنند و اسامی را می‌نویسند. رئیس منطقه نگاهی به من کرد و لبخندی زد و پرسید آیا شما اسامی را می‌نویسید، گفتم بله. ایشان اصلاً اطلاع نداشتند که کتاب‌های درسی را هم من می‌نویسم.

• اولین کتابی که به شما سفارش داده شد تا خطاطی کنید کدام بود؟

سال ۱۳۳۳ اولین کتابی که شروع کردم کتاب فارسی دوم و سوم دبستان بود. از اول تا آخر.

• شما موافقید که کتاب فارسی بچه‌ها به خط نستعلیق باشد؟

قسمت ادبیات آن به خط نستعلیق باشد بهتر است.

• پیشنهاد شما برای گرایش دانش‌آموزان به هنر و خطاطی چیست؟

من چون دبیر ورزش هم بودم و به ورزش هم علاقه دارم می‌دانم یک ورزشکار وقتی به سی‌سالگی می‌رسد تفکرش بالا رفته؛ اما نیروی بدنی اش کم شده؛ یعنی انجام‌دهنده خوبی نمی‌تواند باشد. تا ۳۵ سالگی ورزش می‌کند و کم‌کم کنار می‌رود و مربی یا داور می‌شود؛ اما هنر این‌طور نیست. نه فقط هنر خوشنویسی، تئاتر، سینما، عکاسی و نقاشی همه هنرها با گذر زمان به استادی و مهارت و تسلط می‌رسند پس بهتر است همین‌طور که در تلویزیون شبکه ورزش به وجود آوردند باید شبکه هنر به وجود بیاوریم. هنرمند مثلاً اهل ساز است بداند در ساعت فلان استاد ساز موردنظرش در تلویزیون تعلیم می‌دهد؛ یعنی بتوانیم به وسیله تلویزیون شادمانی اجتماعی را در فرهنگ اجتماعی ببریم. در سطح کشور نوجوان و جوانی که برنامه‌ای برای آینده‌اش ندارد بتوانیم برایش برنامه و هدف تعیین کنیم. یکی دنبال خط می‌رود یکی نقاشی، یکی ساز. این‌طوری می‌شود استعدادشان را شناسایی و هدایتشان کرد.

• در حال حاضر آموزش هنر و خط در مدارس مطلوب است؟

بله؛ بسیار زیبا و قشنگ است. بهتر است آموزش همه هنرها در مدارس باشد. ما هنر را در مدرسه پرورش می‌دهیم. اگر این پرورش را درست انجام دهیم بزرگ‌ترین امتیاز است. آموزش خط هم یکی از آن هنرهاست. اما خط نستعلیق زمان‌بر است، دانش‌آموز ما امروز چون همه امکانات را در اختیار دارد زودتر به نهایت می‌رسد. ما الآن ۱۵۰ نفر استاد پرورش دادیم. در انجمن خوشنویسان در طول تاریخ شاید هفت هشت نفر زن خوشنویس نداشتیم ولی ما الآن ۱۴۰۰ خوشنویس زن تربیت کردیم که هفت هشت نفر از آن‌ها استاد شدند. در تمام کشور ۳۲۰ شعبه داریم و تمام شعبه‌ها خطاط ممتاز دارند.

• به نظر شما این استعدادیابی از کتاب درسی شروع می‌شود؟

بله

متین نژاد. باینکه شیوه‌ها متفاوت بود ولی دانسته من طوری بود که به این‌ها الگو دادم و الگو را نظارت کردم و بعد شروع کردم به کتاب نوشتن. چون سال ۱۳۷۰، سال شاهنامه بود و ما می‌خواستیم سرعت عمل داشته باشیم این کتاب را آماده کردم. شما اگر یک زمانی کتاب شاهنامه را دیدید اصلاً نمی‌توانید خط‌ها را از هم تشخیص دهید.

• شما چهره ماندگار هم شده بودید؟

بله؛ هشتمین دوره انتخاب چهره ماندگار در سال ۱۳۸۹ بود که من و استاد عباس اخوین هر دو در دوره هشتم به عنوان چهره ماندگار انتخاب شدیم.

• شما غیر از کارهای کتاب‌های درسی کارهای دیگری مثل کار روی کاشی، کتیبه و ... هم انجام دادید؟

فراوان انجام دادم. قرآنی نوشتم که ابعاد یک صفحه آن چهار در شش متر است. این قرآن ۶۰۴ صفحه است. فقط سوره بقره را که نوشتم صد کیلو وزن آن بود. این موضوع مربوط به شش سال پیش، حدود ۲۲ مرداد سال ۱۳۹۰، است. دکتر محمدباقر قالیباف این طرح را در خانه هنرمندان افتتاح کرد. دکتر قالیباف گفت این مال ما؛ گفتم مال شما. حالا صد کیلو شده؛ هشتاد کیلو خودش و بیست کیلو جلدش است. خطش نستعلیق است جلدش را چرمی و گالینگورش را هم من خودم از آلمان آوردم.

• آیا در جهان هنر خوشنویسی ایران شناخته شده است؟

ایران را با سه اثر هنری در جهان می‌شناسند. ادبیات، فرش، خوش‌نویسی. البته خوش‌نویسی در هر سه اثر دیده می‌شود. یک خوش‌نویس برای آنکه اثرش زیباتر و ماندگارتر باشد باید نوشته‌های او پیام داشته باشد، باید با ادبیات آشنا شود و مطالعه بسیار داشته باشد و برای زیبا شدن اثر خود باید با نقش و نگار فرش آشنا باشد. نقش فرش همان نقش تذهیب استادان و بزرگان این هنر است.

• شما در نوشتن سبک خاصی دارید؟ مثلاً فردی که به خطاطی آشناست

می‌تواند خط شما را تشخیص بدهد که این آیا خط شماست یا نه؟

بله می‌تواند؛ تا حدودی این کار کارشناسی لازم دارد و دقت و وقت بیشتری می‌طلبد. مثلاً شاگردان استاد سید حسین میرخانی که همانند استاد سید حسین میرخانی می‌نویسند می‌توانم یکی یکی اسم بیاورم که این شاگرد سید حسین میرخانی بوده از روی نوشته‌اش می‌توانم بفهمم که شاگرد سید حسین میرخانی بوده‌اند.

• از بین خطاطان قدیم شما بیشتر به آثار کدام خطاط علاقه دارید یا می‌پسندید؟

ببینید هنر مثل علم می‌ماند که هرروز و هرلحظه حرکت دارد. اگر معلومات ابن سینا را الآن یکی داشته باشد دواخانه‌چی هم نمی‌شود چون علم حرکت دارد.

• وقتی بچه‌ها می‌خواهند متنی را که با خط نستعلیق نوشته شده بخوانند. کندخوان می‌شوند، سرعت خواندنشان پایین می‌آید، به همین دلیل کتاب‌های بخوانیم و بنویسم دوره ابتدایی با خط تحریری نوشته شده است. نظر شما چیست؟

بهتر است طوری تحریری را تعلیم بدهند که مقداری نستعلیق هم در آن باشد.

• باتوجه به گسترش فناوری، می‌توانیم خط را در قالب بسته آموزشی از راه دور به صورت مجازی یا برخط آموزش بدهیم یا خیر؟

من ۲۲ سال است طوری کار کردم که رایانه من تمام حروف را دارد.

• شما خودتان یک فونت را طراحی کردید؟

یک فونت طراحی کردم که فقط در اختیار خودم هست. یکی از مقامات کشورهای عربی به من گفت با من همکاری می‌کنی. به روی خودم نیآوردم من در پی مادیات نیستم من به کشور خودم خدمت می‌کنم.

• شما می‌توانید بگویید چند هزار صفحه تا الآن خطاطی کردید؟

در حدود ۲۲ هزار صفحه. من دیشب ساعت ۳ بامداد بیدار شدم و شروع به نوشتن کردم. ۸۷ سالم است و عشقم همین است. من مثلاً تلویزیون گوش نمی‌کنم چون گوش شنوا ندارم.

• گویا شما سی جلد از کتاب‌های درسی افغانستان را هم نوشتید؟

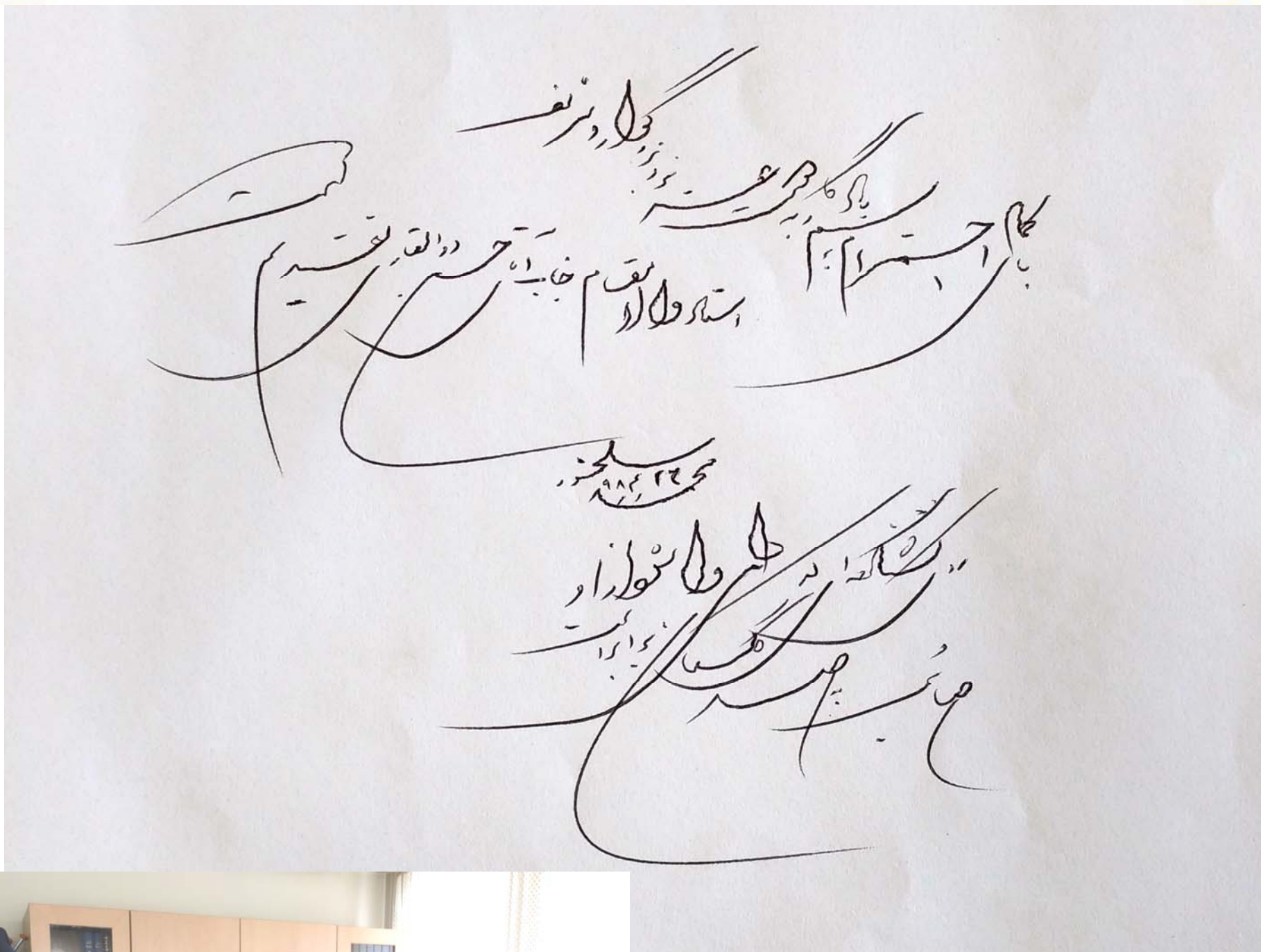
بله حدوداً ۴۵ سال پیش، زمانی که انقلاب نشده بود من این کتاب‌ها را نوشتم. مؤسسه فرانکلین کتاب‌ها را به ما داد و گفت صدایش هم نباید در بیاید. امضا هم نباید داشته باشد. در ایران این کتاب‌ها را نوشتم و تا جایی که یادم هست در خود ایران هم چاپ شد و چون افغانستان امکانات چاپ نداشت.

• غیر از کتاب‌های درسی و آثاری که خودتان نوشتید چه دیوان اشعاری را کامل نوشتید؟

من چون چاپ را می‌شناسم شاهنامه را دادم به هفت نفر نوشتند خودم هم کار کردم. شما اگر شاهنامه را دیده باشید متوجه می‌شوید که تمام این خط‌ها به هم می‌خورند. حالا شاگردهایی که من گرفتم دو تا از شاگرد خودم بودند دو تا شاگرد استاد غلامحسین امیرخانی دو تا شاگرد استاد عباس اخوین بودند یکی هم شاگرد استاد فتحعلی واشقانی، یعنی همه از شاگردان استاد‌های بنام. شاگردهای استاد‌های مختلف، با شیوه‌های مختلف، اما شما نمی‌توانید بگویید این خط کیست؟ حتی کسانی که مطلع هستند نمی‌توانند تشخیص بدهند و اگر فهرست را نگاه کنند راهنمایی کردم کدام بخش توسط چه کسی نوشته شده است.

• این هفت نفر چه کسانی بودند؟

حمید ساسانی، مجید فدائی منش، محمدصادق احدپور، عباس مستوفی‌الممالکی، سیدمحمد سرحدی و محمدباقر گودرزی لمراسکی و آرش



• از آثاری که تا به حال خطاطی کردید یکی را بگویید که از همه بیشتر به آن دلبستگی دارید؟

کتاب‌های فارسی سوم و چهارم دبیرستان خیلی خوب نوشته شده؛ اما متأسفانه چاپش بد است. امروز وقتی من خط را می‌نویسم و چاپ می‌شود ۹۹ درصد هم نه، بلکه صددرصد عین خط خود من است چون در چاپ اثر نظارت دارم؛ اما کتاب فارسی سوم و چهارم سی درصد شبیه خط من است. دست من رعشه نداشته اما امکانات چاپ تکامل یافته نبود و کتاب بد چاپ شده است و تمام خطوط رعشه دارد. من چون اطلاعات چاپی دارم کتاب‌های خودم را نظارت می‌کنم تا با کیفیت چاپ شود.

• امروز که داریم به سمت حروف‌نگاری رایانه‌ای می‌رویم. معمولاً کمتر از دست‌نویس استفاده می‌شود احساس نمی‌کنید این تحول، خط را در معرض خطر قرار دهد؟

کاربر رایانه در کرسی‌بندی و حروف‌نگاری رایانه‌ای حتماً حداقل مدرک ممتاز انجمن خوشنویسان را داشته باشد تا سطر‌بندی آن زیبا و زیباتر شود.

• ما طبق آماری که از شما داریم هجده کتاب درسی را شما خطاطی کردید. مثلاً کتاب نمونه‌های نظم و نثر فارسی که در سال ۱۳۴۱ استادان دکتر رضازاده شفق، جلال‌الدین همایی، عبدالرحمن فرامرزی، عبدالله صفا نوشته بودند. قدیمی‌ترین کتابی که از شما داریم فارسی و دستور سال ۱۳۳۵ است. آیا شما می‌توانید اطلاعات دقیق‌تری به ما بدهید؟
به خاطر شرایط سنی ۸۸ سالگی چیز زیادی در خاطر من نیست. کتاب فریدون را نوشتم گمان می‌کنم همین کتاب دکتر ابراهیم پورداوود باشد که فریدون را از شاهنامه تلخیص کرد و من سال ۱۳۴۶ نوشتم.

ماهنامه «انشا و نویسندگی»

آذرماه (شماره ۱۱۰) - دیماه (شماره ۱۱۱)

عبدالحسین موحد^۱



دکتر فاضلی در ادامه بحث خود درباره فرهنگ‌های گوناگون انشا و نویسندگی، با مرور خاطرات خود و تلقی ما ایرانیان از درس انشا، بیان داشته است: «هیچ‌کس با خواندن کتاب «چگونه انشا بنویسیم» نویسنده نمی‌شود». نوشتن از درون تجربه تاریخی و از چهارچوب زندگینامه انسان‌ها در دل یک فرهنگ بیرون می‌آید. نوشتن یک تجربه، اگرچه فردی و انسانی است، اما تنیده با ساختار نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر قوم و ملتی است. دکتر فاضلی همچنین تأکید می‌کند که «هرکسی نمی‌تواند معلم باشد. آن معلمی واقعاً معلم است که به انسان عشق می‌ورزد، انسان را بزرگ می‌داند و برای تعالی و کمال انسان مبارزه می‌کند».

بخش دوم این شماره ماهنامه، مقاله‌ای است درباره «ویراستار و تشخیص زبان و لحن داستان کودک». مهدی عصاره، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، فعالیت ویرایشی ویراستار را در موارد زیر، سودمند ارزیابی کرده است:

۱. کمک به سلامت زبانی پیام متن؛
۲. کشف و عرضه جذابیت‌های متن؛
۳. کمک به انتقال صحیح، روشن و ساده متن؛
۴. کمک به انسجام و وحدت متن؛
۵. افزایش اعتبار علمی نوشته؛
۶. افزایش شأن و منزلت علمی نویسنده.

بخش سوم این شماره به مقاله «ضرورت رعایت حریم واژگان در قلمرو نوشتار و گفتار» اختصاص دارد. امین یاری در این مقاله گفته است: «رعایت حریم کلمات، امری عقلایی است که باید آن را محترم شمرد. هر واژه‌ای در جوامع دمکراتیک حریم و جایگاه مشخص دارد. کسی که «فیلسوف»، «پروفسور»، «استاد»، «دکتر» یا «مهندس» نیست، نباید با این عناوین مورد خطاب قرار بگیرد». این نویسنده، سخن خود را با جمله‌هایی از امام علی (ع) این‌گونه به پایان برده است: «سر قلم‌هایتان را باریک کنید. سطرها را به هم نزدیک بنویسید. از آوردن القاب و آداب صرف‌نظر کنید و به مطلب موردنیاز بپردازید. مبدا پرگویی و زیاده‌روی کنید».

بخش چهارم این شماره، دربردارنده داستان‌هایی است با این عنوان‌ها: اصلاً نباید بفهمد (بهاره هورشنیا)، قسط وام (مجید طهماسبی)، یادت می‌ماند؟ بگو نمی‌دانم (فریده ترقی). محمود راجی در بخش نقد داستان این شماره، داستان «یادت می‌ماند؟ بگو نمی‌دانم» را ارزیابی کرده و آن را یک داستان واقع‌گرا با مضمونی کلاسیک و شیوه روایت مدرن دانسته است. داستان‌های کوتاه دیگری نیز با عنوان‌های «یعقوب»، «دیوانه‌ای همراه»، «مسئولیت هولناک»

ماهنامه «انشا و نویسندگی»، آذرماه ۱۳۹۸، شماره ۱۱۰

این شماره «انشا و نویسندگی» با سخن میر مستول با عنوان «کورچشمی» آغاز می‌شود. حسینی نژاد در این یادداشت، بر مطالب دکتر فاضلی، تحت عنوان «معلمی و نوشتن» تأکید ورزیده و گفته است: «به نظر ایشان، جای «انشا» در حوزه عمومی خالی است. خرد جمعی جامعه، خیری در آن نمی‌بیند که بخواهد به «انشا» توجه کند. در نتیجه به «کورچشمی» مبتلا می‌شود». «انشا و معلمی» متن بازنویسی شده سخنرانی نعمت اله فاضلی، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که بخش عمده‌ای از این ماهنامه را در بر گرفته است.

دکتر فاضلی در این متن، با نگرشی انسان‌شناسانه به ضرورت درس انشا و پیوند آن با نوشتن پرداخته و تأکید کرده است که «انشا نه تنها در مدارس که در حوزه عمومی هم مظلوم و مغفول مانده است. منظورم از حوزه عمومی، این است که مطبوعات، رسانه‌ها، سینما، تئاتر و دیگر فضاها بازنمایی، چیزی درباره انشا نمی‌گویند».

۱ دبیر و پژوهشگر زبان و ادب فارسی

دو یادداشت محمود دولت‌آبادی، چهره برجسته ادبیات داستانی معاصر، در سوگ جانباختگان سقوط هواپیمای اوکراینی و واکنش به شهادت سردار سلیمانی، هم در این شماره به چاپ رسیده است. مقاله‌های «جای خالی برخی موضوعات در کتاب نگارش» (معصومه محتشمی)، «درنگی بر برنامه درسی نگارش» (حسین طریقت)، «لذت داستان» (فرحناز حسینی)، «جای خالی فن بیان و سخنوری» (دکتر شیوا روحی فر)، «زمستان در اینستاگرام».

«پاسخ تعدادی از نویسندگان به فراخوان انشا و نویسندگی»، «خش دیگری در این شماره است. بخش عمده این شماره، به «انشا مدارس» اختصاص دارد. تنوع موضوع‌ها، دیدگاه‌ها، دانش‌ها و بیش‌های نویسندگان در این بخش، قابل توجه است. بخش پایانی این شماره، «زبان حال بنزین» است که حاصل بحث و گفت‌وگوی آزادانه سید رضا باقریان موحد با دانش‌آموزان و دانشجویان در قم و بیانگر جمله‌سازی‌های خلاقانه، طنزهای ادیبانه و تخیل پردامنه نویسندگان آن‌هاست. به امید روزی که میهن، ملت و مطبوعات ما با پیشامدهای بد، آسیب‌ها و بحران‌های توان‌فرسا روبه‌رو نباشد.

و «حمام چهارنفره خانه نعمت» در این شماره به چاپ رسیده که محصول مشاهده و مکاشفه آموزگارانه نویسنده‌های آن‌هاست. «فرهنگ لغات خودمانی» عنوان بخش «انشا»ی این شماره است که در آن، سید رضا باقریان موحد، دبیر ادبیات و نگارش فارسی در قم، یکی از راه‌های کشف خلاقیت ادبی دانش‌آموزان و ارتباط برقرار کردن میان دانش و بینش را مهارت نوشتن فرهنگ لغات خودمانی دانسته است، نمونه‌هایی نیز در این باره ارائه کرده که گویا و خواندنی است.

بخش پایانی این شماره، نوشته‌های کوتاهی است از دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی در شهرهای دزفول، شاهرود، بابل، ملارد، تهران، استان مرکزی و الیگودرز. این نوشته‌ها، تجربه‌های نویسی هستند که در آن‌ها، عاطفه، احساس، تخیل و خلاقیت نویسندگان آن‌ها، به نمایش درآمده است و می‌توان آن‌ها را انشاهای خوبی به شمار آورد. این شماره «انشا و نویسندگی» به نظر می‌رسد در کل، به هدف‌های آموزشی، پژوهشی، تحلیلی و خبری خود، نزدیک‌تر شده است. دوام و پایداری این ماهنامه را در این روزهای دشوار و شرایط ناپایدار مطبوعاتی و هجوم رسانه‌های دیجیتالی و شبکه‌های مجازی، آرزو مندیم. همت و قلم مدیرمسئول محترم، حسین حسینی نژاد، در انتشار این ماهنامه، مستحکم و مستدام باد.

ماهنامه «انشا و نویسندگی»، دی‌ماه ۱۳۹۸، شماره ۱۱۱

مدیرمسئول در این شماره «انشا و نویسندگی» بر نوشتن در هر شرایط و زمان و مکان، تأکید کرده و بیان داشته است: «چرا ما امکان گفت‌وگو نداریم؟ چرا مدارا نداریم و تحمل یکدیگر را تمرین نمی‌کنیم؟» حسین نژاد در این نوشته، ضمن اشاره به اتفاقاتی که در این فصل سال، شاهد بوده‌ایم، نیاز جامعه ما به «وحدت ملی» را راه‌حلی بایسته در برون‌رفت از شرایط دشوار اکنون دانسته است. مدیرمسئول در پایان سخن خود، امیدوار است که «گوش هوش باشد و پیام‌های مدارا و رأفت کارساز شود». دکتر یزدان منصوریان در مقاله «نویسندگی و چیرگی بر تاریکی» موفقیت هر نویسنده را بیش از هر چیز به «تمرین دیدن و شنیدن و آشنایی‌زدایی از امور آشنا» وابسته دیده است. نویسنده در این مقاله، ضمن تشریح ویژگی‌ها و هدف‌های هر نویسنده از منظر فردی و اجتماعی، نوشته است: «نویسنده، راوی زندگی و خادم زبان و اندیشه است، ابزار کارش واژگانی هستند که از معدن زبان استخراج می‌کند تا معناهای تازه خلق کند، سکوت را بشکند و از شگفتی‌های هر زبان نیامده، سخن بگوید».

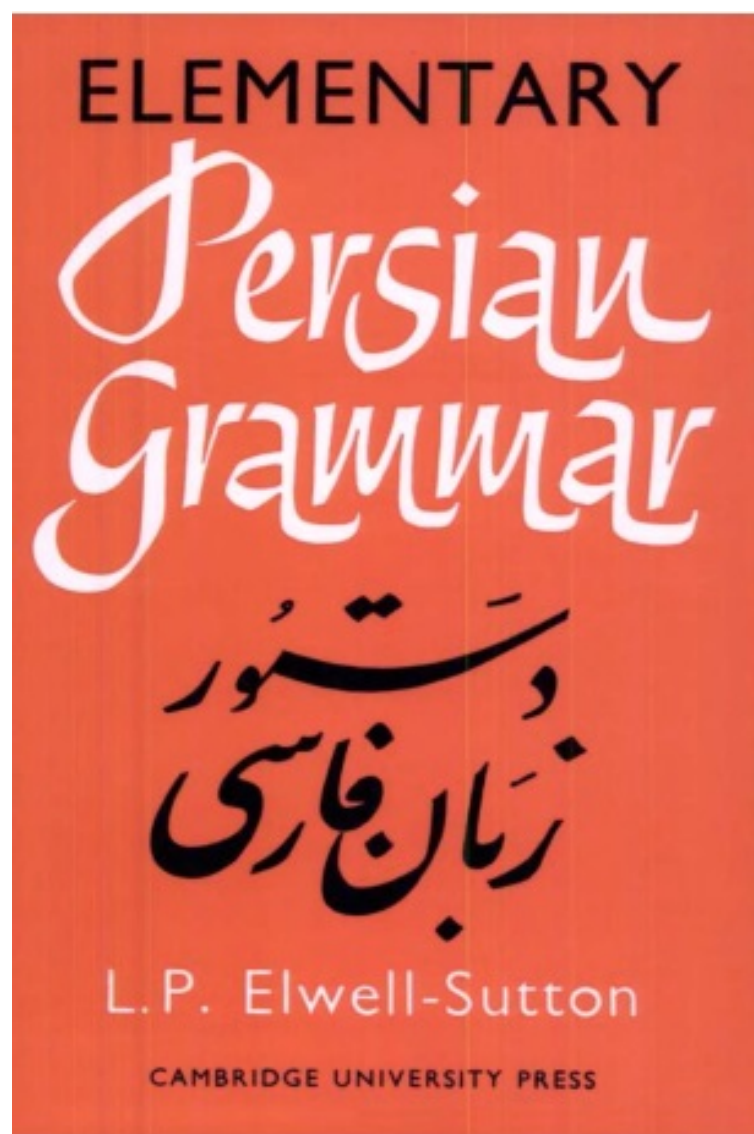


علوم اسلامی. تحصیلات وی در زمینه پژوهشگری در اسلام و فارسی مدرن در دانشگاه منچستر بوده است. زبان‌های فارسی و عربی را در مدرسه علوم شرقی آموخته و از دانشگاه لندن در سال ۱۹۳۴ فارغ‌التحصیل شده است. وی علاوه بر دستور زبان فارسی، آثار متعدد دیگری نیز دارد؛ از جمله: *زبان فارسی محاوره‌ای (Colloquial Persian)* (London, 1941) که همراه با کتاب قبلی به عنوان کتاب‌های معیار همچنان چاپ شدند؛ ولی کتاب دیگری نیز با عنوان *کلید دستور زبان فارسی (Key Persian Gram, 1966)* داشته که تداوم چاپ نیافته است؛ ترجمه کتاب‌های پیامبر از زین‌العابدین رهنا (Lahore, 1964-65) و *دمی با خیام از علی دشتی (London, 1971)*؛ *اوزان فارسی (Persian Metres)* (Cambridge, 1976) که کتابی تخصصی و بحث‌برانگیز بوده است. وی در آن کتاب ادعا کرده که اوزان فارسی هیچ پیوندی با اوزان کمی عربی ندارد بلکه استمرار الگوهای اوزان شعر فارسی میانه پیش از اسلام هستند و احتمال می‌رود اساساً شعاری مبتنی بر تکیه و هجا باشند بدون هیچ عناصر کمیتی قابل توجهی. وی در باب تحلیل خود از این اوزان مقاله‌ای نیز با عنوان *عروض (Arūz)* (Elr. II, pp. 670-79) دارد. الولساتن نخست عضو شرکت نفت انگلیسی-ایرانی (۱۹۳۵-۱۹۳۸) در آبادان بود. سپس با آغاز جنگ جهانی دوم و ایراد سخنرانی در دانشگاه لندن در ۱۹۳۹ به وزارت اطلاعات ملحق شد. پس از آن در مقام کارشناس فارسی و عربی در بی.بی.سی فعالیت کرد. در دوره پس از رضاشاه در تهران به عنوان مجری مأموریت داشت. در سال‌های پایانی دوران حرفه‌ای خود نیز تا زمان بازنشستگی، مدرس فارسی در دانشگاه ادینبورگ بود. (Yarshater, 1982: Vol. VIII, Fasc. 4, pp. 372-373)

درباره اثر

کتاب *دستور زبان فارسی* حاوی مطالب دقیق و مفصلی در باب حروف فارسی و به‌ویژه نوشتار آن و دستور زبان رایج و ضروری زبان فارسی است. مؤلف خود گفته است که این کتاب در واقع مکمل کتاب *فارسی محاوره‌ای* پیشگفته است که بیشتر در آن بر فارسی گفتاری متمرکز بوده است. این کتاب از لحاظ شمول نکات بسیار دقیق و ظریفی که انگلیسی‌زبانان بدان توجه داشته‌اند و شیوه تدریس در آن ارزشمند و حائز اهمیت است و البته خالی از اندکی نقایص خاص مؤلفان غیرفارسی‌زبان نیست. کتاب شامل مقدمه مؤلف، پانزده فصل یا درس، نمونه‌های متنی افزوده، فهرست واژگان انگلیسی به فارسی و بالعکس، تقویم تطبیقی میلادی و شمسی، نمایه، و کلید راهنمای تمرین‌هاست و از این رو کتابی خودآموز شمرده می‌شود؛ چراکه با ارائه نمونه‌های کافی و شرح تفصیلی و درج کلید درس تا حد زیادی نیاز به معلم را رفع کرده است.

معرفی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (۲۱) ELEMENTARY PERSIAN GRAMMAR



دکتر سیده‌زیبا بهروز^۱

ELEMENTARY PERSIAN GRAMMAR by L. P. ELWELL-SUTTON, Cambridge University Press, New York, First published 1963, reprinted with corrections and additions 1969, 250 ps.

دستور زبان فارسی یا گرامر مقدماتی فارسی، تألیف ال. پی. الولساتن، نخستین بار در سال ۱۹۶۳ از سوی انتشارات دانشگاه کمبریج چاپ شد و در سال ۱۹۶۹ با اصلاحات و افزوده‌هایی به چاپ دوم رسید.

درباره مؤلف

بر اساس دایرةالمعارف ایرانیکا الول ساتن در پنج حوزه علمی فعالیت داشته است: زبان فارسی، ادبیات فارسی، تاریخ ایران مدرن، فرهنگ عامه ایران،

^۱ پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

18 [III, 22-24]

22. Group XIII (One Letter)

Joined to preceding letter only Joined to preceding and following letters Joined to following letter only Separate form Basic shape

Note the level of the join preceding the final form.

Pronunciation	Transcription	Joined forms	Name	Separate form
as in English	l	ل...ل...ل	lam	ل (1)

This sound must always be pronounced clearly, as in 'leaf', even when it falls at the end of a word. The English tendency to swallow it ('hall, bowl, real') must be avoided.

23. Group XIV (One Letter)

alternative alternative

Joined to preceding letter only Joined to preceding and following letters Joined to following letter only Separate form Basic shape

Pronunciation	Transcription	Joined forms	Name	Separate form
as in English	m	م...م...م	min	م (1)

24. Group XV (One Letter)

alternative alternative

Joined to preceding letter only Joined to preceding and following letters Joined to following letter only Separate form Basic shape

11, 11] 9

11. Group V (Three Letters)

Joined to preceding letter only Separate form Basic shape

These letters are not joined to a following letter.

Pronunciation	Transcription	Joined form	Name	Separate form
trilled with the tip of the tongue	r	ر...ر	re	ر (1)
as in English	z	ز...ز	zin	ز (2)
as 'v' in 'pleasure'	z	ژ...ژ	ze	ژ (3)

The letter 'r' must always be sounded, e.g. *barf* (snow, not *bif*).

Compare also:

11a. Group VI (One Letter)

Joined to preceding letter only Separate form Basic shape

This letter is not joined to a following letter.

Pronunciation	Transcription	Joined form	Name	Separate form
as English 'v' with tendency towards 'w'	v	و...و	vav	و (1)

Note that Group IV letters join on the level of the main line of writing, whereas Groups V and VI join on the secondary line, requiring that preceding letters be raised.

بد but بر جو

CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS

مبحث مصوت‌ها و صداگذاری حروف (vowelings) نیز در همان درس اول به‌طور کامل تدریس می‌شود. در این کتاب، تمامی مصوت‌ها در درون واژه‌ها ارائه شده‌اند و تمامی متون نیز منتخبی از آثار چاپ شده هستند. اما برای آن دسته از زبان‌آموزان که به کار بر روی انواع دیگر متون مثل نامه‌های دست‌نویس و متون مدرن و رایج نیاز دارند در ضمیمه کتاب نیز نمونه‌هایی آورده شده است.

به نظر نویسنده دستور زبان فارسی نسبتاً ساده است و دروس این کتاب نیز نیاز اصول دستوری موردنیاز برای خواندن روزنامه و متون متأخر فارسی را ارائه می‌کند. دروس بدون تکالیف پیچیده و غامض طراحی شده‌اند و در واقع نمایی از اصطلاح‌شناسی و عبارت‌شناسی ویژه زبان رایج است. خط فارسی در درس اول معرفی شده است و جز در موارد لازم، از هیچ‌گونه آوانویسی استفاده نشده است تا زبان‌آموز مجبور شود از همان ابتدا به فرم اصلی بخواند. هرچند ممکن است به نظر برسد که کاربرد چنین شیوه‌ای در مراحل اول یادگیری دشوار باشد، پس از گذر از این مرحله سخت‌آغازین، پیشرفت در خواندن به‌مراتب سریع‌تر از زمانی خواهد بود که زبان‌آموز پس از یادگیری حروف از طریق آوانویسی بخواند آن را مجدد با الفبای دیگری بخواند. همچنین با گذر از این مرحله، دشواری‌های مربوط به چندنویسه بودن حروفی مثل س، ز، ت رفع می‌شود.

EXERCISES

A. Translate into English:

عید نوروز

جمشید یکی از پادشاهان قدیم دامنهای ایران بوده است. گویند پارچه بافتن و لباس دوختن و گندم و جو کاشتن و خانه ساختن از سنگ و گچ و گل را جمشید مردم یاد داده است. روزی که جمشید بر تخت شاهی نشست مردم همه خوشحالی کردند، و آن روز را نوروز یعنی روز نو اسم گذاشتند، و ایرانیان تاکنون این روز را عید میگیرند. نوروز برای همه ایرانیان و بخصوص برای کودکان بهترین روز سال است. در این روز همه لباس نو میپوشند، بدین هم میروند، شادی میکنند، و بزرگتران بکودکان عیدی میدهند، یا برای آنان اسباب بازی میخرند.

B. Translate into Persian:

The Sasanid empire was still apparently at (in) the zenith of its power when it suddenly succumbed beneath the attack of the Arabs, who, under the influence of their new religion of Islam, poured out of the limits of Arabia during the first half of the seventh century A.D. Within a short time Persia's cultural life became submerged under a surface of Arabic religion, language and administration, even though in fact Persian ideas continually exercised (showed) much influence in the progress of Arabic and Islamic culture. For (In the space of) two centuries the whole of Persia was under the rule of Arabian caliphs, whose capital was first in Arabia, next in Syria, and finally in Iraq; during this time Islam, with its simple, popular ideas, came near to obliterating the old Zoroastrian faith.

VOCABULARY

Jamshid جمشید	wheat گندم
story داستان	barley جو
cloth پارچه	plant (کار) کاشتن
weave بافتن	plaster گچ
sew (دوز) دوختن	mud گل

این متون از طیف گسترده‌ای از سبک‌های ادبی انتخاب شدند تا گونه‌های مختلف زندگی و ادبیات فارسی را نشان دهند. تمرین‌های انگلیسی-فارسی از درس هشتم به بعد با عنوان خلاصه‌ای از تاریخ ایران طراحی شده‌اند؛ اگرچه بیشتر تأکید بر نکات زبان‌شناختی است تا جنبه‌های تاریخی. از دیگر مباحث قابل توجه این کتاب درج مبحثی تحت عنوان عناصر عربی در فارسی (Arabic elements in Persian) است که در آن تمام واژگان، حروف و ترکیباتی که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند از لحاظ مقولات دستوری واژگان عربی در فارسی، اوزان آن‌ها، مشتقات، اسامی اشخاص، اماکن و ... طبقه‌بندی و همراه مثال‌هایی معرفی و توضیح داده شده‌اند.

98. Prefixes

The two most significant prefixes are نا 'un-' and هم 'co-'.

پاک clean.	ناپاک unclean, dirty.
[دان] knowing	نادان unknowing, ignorant.
(Pres. stem of دانستن).	
خوش good, well.	ناخوش unwell, ill.
وطن country.	هموطن compatriot.
راه road.	همراه together, companion.
کار work.	همکار colleague.

99. Suffixes

Certain suffixes are used very freely, others are limited to certain dictionary words. In general each is confined to the formation of either nouns or adjectives, but it must be remembered that the line between these two parts of speech is not very sharply drawn. All these suffixes, being an integral part of the word, take the final stress.

(a) ی . . . (i) affixed to adjectives and certain types of noun and adverb, to form abstract nouns.

خوب good.	خوبی goodness.
بزرگ large.	بزرگی largeness.
مرد man.	مردی manliness.
تہا alone.	تہائی loneliness.
تجار carpenter.	تجاری carpentry.

When this ی . . . is suffixed to a word of Persian origin ending in . . . , the *he* is replaced by a *gayf*.

بچه child.	بچگی childhood.
(ii) affixed to nouns to form relative adjectives.	
ایران Iran.	ایرانی Iranian.

از درس هفتم به بعد، تمرین‌ها از شکل پراکنده و مستقل به صورت تمرین‌های سلسله‌وار متنی درآمده‌اند. تمرین‌های فارسی-انگلیسی از درس هشتم به بعد ارائه شده‌اند. البته در متون اصلی تغییرات اندکی داده شده است تا از ساختارهای دستوری که آموزش داده نشده استفاده نشود.

120

[xi, 8]a

secondary stress on the antecedent. A similar pattern is observable in para. 82.

Para. 80(a):

kāramān ke tamām šod | mānzal raftim
sevare otubus ke šodim | rezara didim
ma ke sevare otubus šodim | rezara didim
az soxanāne in ašxas ke farifte šod | taqazāhayašānra | qabul

kārd

(b):

in mard | ke duste man mibašad | šomara rahnamaʔi xahad

kārd

pire mardī | ba zan o bacce vared šod | ke tamame lebasāš |

pare šod

hasan amuʔi dašt | ke do sol bud | zanaš dar gozašte ast

(c):

mardike diruz amad | injast

Para. 81:

vaqtike rasidam | dar baste šod
dar jaʔike šahr bud | faqat biyaban ast
kašhaye xodra vaks kard | betourike barq mizad
vaqti livanra bezamin gozašt ke | yak qatre ob | dar an nabud
in dars osantar az an ast ke | tasavvor kardid
in bahuštar az an ast ke | in hekoyatra | bavar konad

چاپ شده که قبلاً در درس مورد بحث به کار رفته است، همراه با نکات برجسته و قابل تشخیص که پیش و تکیه در هر هجا را نشان می دهد. البته این مثالها برای تدریس افت و خیز و لحن در زبان مفید است اما کافی نیست ولی دست کم می تواند الهام گر اندیشه هایی در باب وزن باشد که حامل باری در ساختار نحوی و دستوری هستند.

xv, 106-107]

163

P.	مُنْتَظَر	awaited	ن ظ ر	look
X A.	مُنْتَخِمْ	employee	خ د م	serve
P.	مُنْتَحِم	solid	ح ك م	be wise, firm

It will be seen that in all but Form I, the only difference between the two Participles is the vowel-change in the last syllable.

(b) Verbal Noun

	Form	Example	Meaning	Root	Root meaning
I	Irregular	قَتَلَ	murder	ق ت ل	kill
		شَكَيَات	complaint	ش ك و	complain
		قَبُول	acceptance	ق ب ل	accept
II	تَفْعِيل	تَعْطِيل	holiday	ع ط ل	be idle
III (a)	مُفَاعَلَة	مُلاَحَظَة	consideration	ل ح ظ	look at
	(b)	فِعَال	وِصال	و ص ل	join
IV	إِفْعَال	إِخْرَاج	expulsion	خ ر ج	go out
V	تَفْعُل	تَصَوُّر	imagination	ص و ر	shape
VI	تَفَاعُل	تَصَادُف	collision	ص د ف	meet
VII	إِنْفِعَال	إِنْحِصَار	monopoly	ح ص ر	surround
VIII	إِفْتِعَال	إِشْتِبَاه	mistake	ش ب ه	resemble
X	إِسْتِفْعَال	إِسْتِعْمَال	use	ع م ل	work

107. Irregular Forms

When one or more of the root letters is *hamp*, *و* or *ی*, contractions and changes may take place in these forms. A few examples will serve to illustrate the general effect of these.

Para. 104:

- (a) **اَيَّام** days, from **يَوْم** day (root **و م ي**), for **[اَيوام]**.
اَبْنَاء sons, from **ابن** son (root **ب ن ي**), for **[اَبناي]**.
مَبَانِي principles, from **مَبْنِي** basis (root **ب ن ي**), for **[مَباني]**.

هرچند آموزش زبان فارسی گفتاری در اولویت اهداف این کتاب نیست، کاربرد درست و معقول زبان از نظر لحن و لهجه در خواندن امری بدیهی و مطلوب است (همچنین در هنگام گوش دادن به فارسی گفتاری مثلاً در برنامه های رادیو مفید است). بدین منظور، بندهایی در این زمینه در انتهای کتاب گنجانده شده است؛ در شکل گزیده های جملات مثالی از متون

۱۱۸۰

[APP. B]

Fav joined to following letter.

وا	وا
خواهد	خواهد
جوانان	جوانان
انواع	انواع
مطلوب	مطلوب
وجوه	وجوه
بنوده	بنوده
سوره	سوره

آورد	آورد
آورده	آورده
خورد	خورد
ول	ول
معلول	معلول
نویمان	نویمان
قانون	قانون
کوناگون	کوناگون
جلوه	جلوه

See also ۱۱.

۳. The three letters that follow are given primarily as samples of different styles of hand-writing. An exact transcription in *saz* follows each, and careful note should be made of the modifications the letters have undergone. Apart from the script, the letters are also to be noted for their use of 'honorific' phraseology, which is characteristic even of comparatively informal letters.

آقای سائین
تقریر مقرر فرمائید در مقابل رسید آبرومان جلد سوم بجهه آینده
معلوم بجهه آینده در پیوست تقدیم میشود مبلغ
یکصد و پنجاه ریال برحالی لطف کنند.

TRANSCRIPTION

آقای سائین

معنی است مقرر فرمائید در مقابل رسید آبرومان جلد سوم بجهه آینده
که به پیوست تقدیم میشود مبلغ یکصد و پنجاه ریال به حامل لطف کنند.

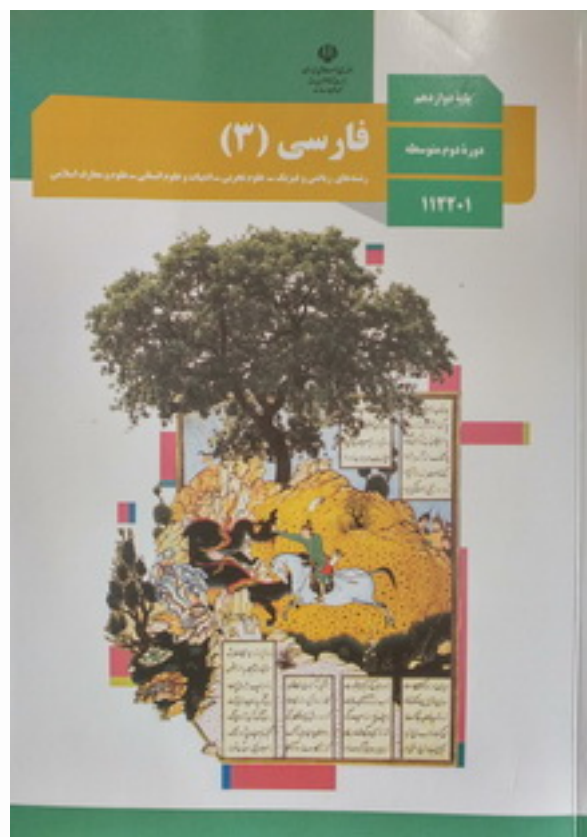
منابع

- Elwell Sutton, L. P. (1963). *Elementary Persian Grammar*, Cambridge University Press, New York, First published, reprinted with corrections and additions 1969.
Retrieved from:
<https://www.cambridge.org/core/books/elementary-persian-grammar/405785EECF3DDA348DFE4D9D4A5>
- Yarshater, Ehsan (1982). *Encyclopædia Iranica*, 1982, Vol. VIII, Fasc. 4, pp. 372-373. Retrieved from:
<http://www.iranicaonline.org/articles/elwell-sutton>

با توجه به مطالب غنی و جامع این کتاب که با هدف آموزش نوشتار و زبان رسمی فارسی به طور خاص تدوین شده است و نیز شیوه ارائه و تدریس مباحث که تا حدود زیادی از وابستگی زبان آموز به معلم کاسته است، در زمینه تألیف کتاب های آموزش زبان فارسی منبع تحقیقی مناسبی به شمار می رود.

نقد و تحلیل متون درسی (۳۵)

درس «خنده تو» و «عشق جاودانی» سال دوازدهم



خنده تو

درس هفدهم

نان را از من بگیر، اگر می خواهی،
هوا را از من بگیر، اما
خندهات را نه.
گل سرخ را از من بگیر
سوسنی را که می کاری...
از پس نبردی سخت بازمی گردم
با چشمانی خسته
که دنیا را دیده است
بی هیچ دگرگونی،
اما خندهات که رها می شود
و پروازکنان در آسمان مرا می جوید
تمامی درهای زندگی را
به رویم می گشاید.
عشق من، خنده تو
در تاریک ترین لحظه ها می شکفت
و اگر دیدی، به ناگاه
خون من بر سنگ فرش خیابان جاری ست،
بخند؛ زیرا خنده تو
برای دستان من،
شمشیری است آخته.
خنده تو، در پاییز



در کناره دریا
موج کف آلوده اش را
باید برفرزاد
و در بهاران، عشق من،
خندهات را می خواهم
چون گلی که در انتظارش بو
گل آبی، گل سرخ کشورم ک
بخند بر شب
بر روز، بر ماه.
بخند بر پیچاپیچ خیابان های
اما آنگاه که چشم می گشایم
آنگاه که پاهایم می روند و باز
نان راه هوا راه
روشنی راه بهار راه
از من بگیر
اما خندهات را هرگز
تا چشم از دنیا نبندم.



هوا را از من بگیر، خندهات را نه! پابلو نرودا

نیازی به معنی کردن شعر ندیده ایم؛ به ویژه که شعر هم زبانی ساده، روان و قابل فهم دارد.

زبان شناختی متن

۱. واژه های متن: آخته: برآورده، بیرون کشیده و بالا برده/ پیچ پیچ: پیچاپیچ، پریپیچ و خم.

واژه ها از نظر مفهوم شناختی، قابل توجه هستند. پیشوندها و پسوندها در زبان فارسی، ابزارهای اصلی در شکل گیری و دگرگونی مفهوم واژه ها به شمار می روند. برای مثال: پسوند «ان» که نشانه جمع در زبان فارسی است: چشمان، دستان. در برخی واژه ها بر زمان و هنگام دلالت می کند. بهاران (هنگام بهار). این پسوند در برخی واژه ها، نشانه صفت یا قید هم است. مانند: پروازکنان. این پسوند در واژه های «آسمان» و «خیابان» جزو اصلی است. ترکیب های وصفی و اضافی نیز در این متن، از سازمایه های مفهوم ساز هستند: گل آبی،

عبدالحسین موحد^۱

آغاز

کجا احساس و ادراک ما شکل می گیرد؟ چه نقشی زبان در شعری و ادب یک ملت می تواند داشته باشد؟ کارکرد ادبیات در کل چیست؟ چه نسبتی تخیل و خیال پردازی با زبان و ادبیات دارد؟ چرا باید به زبان و ادبیات جهان توجه کنیم؟ ویژگی های ادبیات جهان چیست؟ آیا ما از همه واقیعت های جهان معاصر آگاه هستیم؟ چگونه می توانیم با فناوری های جهان نو، همراه شویم؟ تا چه اندازه می توانیم از ادبیات جهان، برای توانمند کردن شعر و ادب خودمان بهره گیریم؟ در کجای تاریخ معاصر، شعر جهان ایستاده است؟ پابلونرودا، کیست و چه پیامی در شعرهایش برای بشریت دارد؟ چرا شکسپیر انگلیسی، هنوز زنده است؟ بخش هشتم کتاب فارسی (۳) پایه دوازدهم، ما را به پاسخ دادن به پرسش های بالا برانگیخته است. کوشیده ایم در حد این گزاره، به این پرسش ها و پرسش های دیگر، پاسخ دهیم.

متن «خنده تو»

متن این درس، برگردان شعری است از پابلونرودا، شاعر به نام شیلیایی. در آنجا که در بخش زبان شناختی، از نظر مفهوم شناختی واژه ها، به ساختار زبان متن و کارکرد واژه ها در ساختن مفهوم و معنی جمله ها، به اندازه پرداخته ایم،

۱ دبیر و پژوهشگر زبان و ادب فارسی

عشق جاودانی

درس هجدهم



ایا چیزی در مخیله آدمی می گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد،
اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟
چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن
که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟
هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم
و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو».
درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.
این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند
و نه توچهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد
و نه اهمیتی به چین و شکن های ناگزیر سالخوردگی می دهد،
بلکه همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند
و نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است،
همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.

غزلواره ها، شکسپیر

فارسی ۳
۱۵۵

گل سرخ، موج کف آلود عشق من، خنده تو. واژه «پیچاپیچ» از نظر آوایی، کلام شاعر را آهنگین و لذت بخش کرده است. آنچه در متن های این درس، چیرگی ویژه پیدا کرده، آرایه های ادبی حاصل از هم نشینی واژه ها و ترکیب هاست. این آرایه ها بر پایه مفهوم شناختنی متن، شکل گرفته اند.

۲. آرایه های ادبی

- استعاره: گل سرخ/ امیدواری/ سوسن: لبخند/ درهای زندگی/ خنده ات مرا می جوید/ خنده تو می شکفتد/ گل آبی: امیدواری.
- تشبیه: خنده ات چون گل / خنده تو شمشیری است آخته.
- تناسب: گل سرخ، سوسن / بهار، گل / دریا، موج، کف.
- کنایه: درهای زندگی را به رویم می گشاید: امیدواری به زندگی / دنیا را بی هیچ دگرگونی دیدن: یکنواختی زندگی / دنیادیده: باتجربه / تا چشم از دنیا نبندم: تا نمیرم، از میان نروم.
- مجاز: نان: غذا/ هوا: زندگی / خنده: نشاط / روز و ماه: زمان زیستن. روز و شب حیات.
- نماد: خنده: شادی و خوشحالی.

انجام

این متن، ما را به شاد زیستن و امیدوار بودن و عشق ورزیدن و لبخند زدن به زندگی فرا می خواند.

باید از اندوه و هرچه ما را ناامید می کند، دوری جست و اینکه به قول فریدون مشیری: «مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم/ به هر حالت، تبسم کن، تبسم»

متن «عشق جاودانی»

متن این درس، برگردان شعری است از شکسپیر، شاعر نامدار انگلیسی. علم مفهوم شناختی، ما را به معرفت و ادراک واژه ها می رساند و زیبایی و دلپسندی شعر را با ایجاد تناسب و هماهنگی میان یکدیگر و حضور ترکیب ما، فراهم می کند.

زبان شناختی متن

۱. واژه های متن

مخیله: جای خیال، نیروی تخیل / نگاریدن: نوشتن، نقش کردن / صادق: راست، درست، راست گو / ترسیم کردن: رسم کردن و کشیدن / سجایا (جمع): سجیه؛ خوی ها و عادت ها و خلق ها / تلاوت کردن، خواندن، قرائت کردن / جراحات (جمع: جراحت)، زخم ها / صحیفه کتاب / ذکر: یاد، یادآوری / شکن: چین و چروک، پیچ و خم.

۲. حذف فعل به قرینه

- حذف به قرینه لفظی: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن (مانده است).

- حذف به قرینه معنوی: و آنچه را قدیمی است، قدیم ندانم: «که تو از آن معنی و من از آن تو» (م).

۳. آرایه های ادبی

- استعاره: گرد و غبار پیری: سپیدی مو / جراحات پیری: بیماری ها و زخم ها، دست زمان.

- تشخیص: عشق جاودانی، معشوق را جوان می بیند / دست زمان.

انجام

عشق، همیشه در وجود عاشق و نیروی تخیل او، پابرجاست. چگونه، گفتن و نوشتن، می تواند عشق و ارزش خلق و خوی عاشق را بازگو کنند؟ از عشق گفتن و یادآوری و تکرار آن، عشق را قدیم می کند. عشق جاودانی و ماندگار، آدمی را جوان می کند و زخم ها و بیماری ها و سال خوردگی، اثری ندارد. عشق

تنها نیستیم، به هم پیوسته‌ایم. آنچه ما را از هم گسسته است، چیست؟ تفاوت نژاد، فرهنگ و معنویت، نباید ما را از هم جدا کند. هدف ادبیات، پیش از هر چیز، هم‌گرایی جهان است؛ هم‌خواهی، هم‌نشینی و هم‌زبانی و همدلی. عشق و عاطفه شاعران جهان هم همین‌هاست. فردوسی، نظامی، عطار، سعدی و حافظ، هوگو، گوته، شکسپیر و نرودا و... دیگر سرآمدان شعر و ادب جهان، همه و همه، یک هدف داشته‌اند: روشن کردن دل‌ها، آزاد کردن اندیشه‌ها، جاودانگی عشق‌ها و دوستداری‌ها و درنهایت، حفظ شرف انسان‌ها و به قول حافظ:

«هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق/ ثبت است بر جریده عالم، دوام ما»

۲- پابلوترووا (۱۹۰۴-۱۹۷۳ م) یکی از شاعران انقلابی کشور شیلی است. انسان، عشق، آزادی و عدالت اجتماعی، واژه‌های کلیدی شناخت متن شعرهای اوست. نروا، شاعری است که در آمریکای لاتین زاده شد و به زبان اسپانیایی شعر نوشت و اکنون یکی از شاعران برجسته سده بیستم میلادی جهان به شمار می‌رود. کتاب‌ها معروف او، عبارت‌اند از: سرود اعتراض، انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی و عاشقانه‌ها.

۳- ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶ م) شاعر و نمایشنامه‌نویس بریتانیایی است. شعرهای غنائی و غزلیات او را جزو شاهکارهای شعر انگلیسی به شمار آورده‌اند. شیوه نویسندگی این شاعر، به دوره کهن زبان انگلیسی وابسته است. آثار مهم او عبارت‌اند از: اُتللو، هملت، مکبث، رومئو و ژولیت، لیرشاه، تاجر ونیزی و... . شکسپیر در نمایشنامه‌های خود، کوشیده است، تراژدی، کمدی و تاریخ را به کمک نیروی تخیل خود به زیبایی به تصویر درآورد.

منابع

- فارسی (۳) پایه دوازدهم، دوره متوسطه (۱۳۹۷). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پورمقدم، شهناز عبادتی، محمدرضا سنگری و احمد تمیم‌داری.
- معین، محمد (۱۳۵۲). فرهنگ فارسی (دوره شش جلدی). تهران: امیرکبیر.

درهرحال، مقدس و باارزش است و نسبتی به‌ظاهر پدیده‌ها و رویدادها ندارد و به قول حافظ: «یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب/ کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است».

دست‌آورد

جهان ادبیات، جهانی گسترده و پویاست؛ به اندازه کل جهان. حرکت ادبیات در جهان، با ابزارها، ساختارها و دستاوردهای گوناگون، روزبه‌روز، تندتر شده و از ادبیات گذشته فاصله گرفته است. برای بازماندن از این حرکت جهانی ادبیات، باید به تفکر و تدبر و تعقلی شایسته و نو مجهز شد. زبان و ادبیات جهان، نقشی گونه‌گون و متفاوت پیدا کرده و بنیاد ساختار شعر، داستان و متن نوشتاری شده است؛ پس واکاوی و بازبینی زبان و ادبیات جهان، می‌تواند ما را در راهیابی و همراهی با این حرکت رو به رشد جهانی، یاری کند و برنامه‌ای نو برای توانمند شدن ادبیات ما، فراهم کند. ادبیات جهان، همانند هنرهای دیگر زمانه، قادر است، پیام انسان‌های جهان را در سرتاسر گیتی انتقال دهد و پیوند و همگرایی جامعه انسانی را در سطح جهان برقرار نماید. ادبیات به گواه تاریخ، تمام جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی را در جامعه انسانی شکل داده و با به حرکت درآوردن مردم جهان، انگیزه‌های نو، آگاهی‌ها و آموزه‌های متفاوت و متعالی را در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی در آدمیان به وجود آورده است. اگر ما تعریف درستی از جهانی که در آن به سر می‌بریم؛ از ادبیاتی که نمایشگاه هویت انسانی و رفتارهای فرهنگی - اجتماعی جهانیان است، بی‌خبر باشیم، به یقین نمی‌توانیم درست بیندیشیم و درست زندگی کنیم. اگر ادبیات نتواند ما را برای بهتر زیستن، بهتر اندیشیدن و بااخلاق بودن پرورش دهد و ما را از حقیقت‌های زندگانی آگاه کند و به ما عشق و امید به زندگی دهد، ادبیات واقعی نیست.

ادبیاتی که نتواند تاریخ بشریت را تفسیر، تغییر و تصحیح و در انسان‌ها، همذات‌پنداری و هم‌خواهی به وجود آورد و آنان را شاد یا غمگین کند و برای عاقلانه زیستن آماده سازد، ادبیات حقیقی نیست. اگر هم‌نشینی و هم‌گرایی فرهنگ‌های جهان، نتواند زمینه توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه انسانی را بسازد و آدمیان را به آرامش، آسایش و امیدواری برساند؛ ادبیات نیست. کُشت و کُشتارهای جهان معاصر، گرسنگی‌ها، درماندگی‌ها و آوارگی‌های انسان اکنون، نتیجه ناتوانی و نبود ادبیات واقعی در جهان معاصر است. سودی که ادبیات جهان، می‌تواند برای بشریت داشته باشد، دادن دانش نو، بینش نو و زندگانی نو است. ادبیات جهان به ما فهم و درک درستی از زبان، فرهنگ و ادب می‌دهد و زمینه‌های پرباری و گسترده‌ی پیوندهای انسانی را برای ما فراهم می‌کند و تصویرهای ذهنی ما را برای ادراک جهان هستی و قدردانی همگانی، نیرومندتر و استوارتر می‌نماید. ما انسان‌های جهان،

بنابراین به عنوان مثال هنگامی که فرهنگ‌نگاری در حال تدوین واژه «ادب» است به صورت هم‌زمان واژه‌های هم‌خانواده با این واژه را نیز تعریف می‌کند. مثلاً در مورد واژه «ادب» هم‌زمان با آن واژه‌های «ادیب، ادبا، ادیبانه و ...» نیز بدون در نظر گرفتن ترتیب الفبایی، تعریف خواهد شد. بنابراین در نسخه برخط چون محدودیت‌های نسخه چاپی را ندارد، مدخل‌ها و واژه‌های بیشتری در اختیار کاربر قرار دارد.

چگونگی دسترسی و استفاده از نسخه برخط فرهنگ جامع زبان فارسی

کاربران با مراجعه به وبگاه فرهنگ جامع به نشانی <http://farhang.apil.ir> می‌توانند به صفحه فرهنگ جامع دسترسی پیدا کنند. تصویر زیر (تصویر ۱) نخستین صفحه‌ای است که با مراجعه به نشانی بالا مشاهده خواهید کرد.



تصویر ۱

برای مشاهده اطلاعات فرهنگ‌نامه‌ای واژه مدنظر، کاربر بایستی در قسمت جستجو آن را بنویسد و بلافاصله پس از نوشتن واژه، کشویی برای کاربر باز می‌شود. در کشویی که باز می‌شود می‌توانید واژه موردنظر و دیگر مدخل‌های مرتبط با آن را مشاهده کنید. این وضعیت در تصویر شماره ۲ با مستطیل قرمز رنگ مشخص شده است.



تصویر ۲

آشنایی با رسانه‌های مجازی (۹) نسخه برخط فرهنگ جامع زبان فارسی

دکتر معصومه حاجی زاده^۱

مقدمه

امروزه فرهنگ‌نویسی فعالیت‌های حرفه‌ای است با اصول و قواعد مشخص. تدوین فرهنگ از نظر اهمیت و قدمت اساساً علمی است هم‌راستا با ارتباط نوشتاری. فرهنگ‌ها از نظر گستره واژگانی که دربر می‌گیرند به فرهنگ‌های عمومی و تخصصی تقسیم‌بندی می‌شوند. فرهنگ‌ها ابزارهای بسیار مهمی در امر آموزش زبان هستند و اطلاعات بسیاری درباره واژه‌ها در اختیار کاربر قرار می‌دهند. از جمله املائی واژه، چگونگی تلفظ آن، هویت دستوری و از همه مهم‌تر معانی مختلف یک واژه و چگونگی کاربرد آن در زبان. امروزه تدوین فرهنگ‌های مختلف با اطلاعات متنوع و هم‌راستا با نیاز کاربران گسترش یافته است. از جمله تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه تدوین «فرهنگ جامع زبان فارسی» است که در گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حال انجام است. فرهنگ جامع از جهات گوناگونی نسبت به دیگر فرهنگ‌های موجود برتری دارد و از جمله این برتری‌ها نسخه برخط فرهنگ جامع است که کاربرد فرهنگ را برای کاربر بسیار سهل می‌نماید.

نسخه برخط فرهنگ جامع زبان فارسی

فرهنگ جامع زبان فارسی فرهنگی است تاریخی که در گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و زیر نظر علی‌اشرف صادقی در حال تدوین است. نگارش فرهنگ جامع هنوز به پایان نرسیده است؛ تاکنون دو جلد از این فرهنگ چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است و جلد سوم آن در حال تدوین است. جلد نخست آن در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسید و جلد دوم در سال ۱۳۹۵ آماده چاپ شد. اما نظر به اینکه روندی که گروه فرهنگ‌نویسی برای تدوین این فرهنگ در پیش گرفته است متفاوت از دیگر شیوه‌ها است، نسخه برخط فرهنگ جامع کامل‌تر از نسخه چاپی آن است. ذکر این نکته ضروری است که کار فرهنگ‌نویسی در گروه فرهنگ‌نویسی با نرم‌افزاری به نام «فرهنگ‌یار» انجام می‌شود. به عبارت دیگر هر واژه‌ای که در محیط فرهنگ‌نگار تعریف شود به‌طور مستقیم بلافاصله پس از تعریف در نسخه برخط قابل مشاهده است. در گروه فرهنگ‌نویسی شیوه تدوین خوشه‌ای برای تعریف و ثبت واژه‌ها در فرهنگ اتخاذ شده است.

۱ پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه فرهنگ‌نویسی

وضعیت: «تایید شده»

اجاره ejâre [گونه دیگر: اجارت؛ جمع: اجارات، اجاره‌ها، اجاره‌جات؛ >از عربی إجارة<]

یک. (اسم) ۱. عمل یا توافقی (معمولاً با عقد قرارداد) که در آن شخصی مال (معمولاً ملک) یا کار و خدمات خود را برای زمانی مشخص در اختیار شخص دیگری قرار می‌دهد و در ازای آن پول یا مال معینی را دریافت می‌کند.

تصویر ۳

در بخش بعد و پس از اطلاعات تکمیلی تفکیک‌های معنایی یا برش‌های معنایی که معانی متعدد یک واژه هستند به ترتیب با ذکر شماره ضبط می‌شوند. در این بخش نخست هویت واژه در میان دو کمان می‌آید. چنانچه اطلاعات سبکی، بلاغی و اطلاعاتی مربوط به حوزه‌های علمی در مورد مدخل وجود داشته باشد پس از هویت در میان دو کمان می‌آیند. در ادامه با ذکر شماره، برش‌های معنایی و تعریف‌ها یکی پس از دیگری ضبط می‌شوند. چنانچه یک مدخل دارای دو هویت دستوری باشد با شماره‌هایی که با حروف پیش از هویت دستوری نوشته می‌شود، هویت‌های دستوری از یکدیگر جدا می‌شوند.

کاربر می‌تواند با کلیک بر روی هر کدام از مدخل‌ها به اطلاعات فرهنگ‌نامه‌ای آن مدخل و زیرمدخل‌هایش دسترسی پیدا کند. نخستین اطلاعاتی که هر مدخل در اختیار کاربر قرار می‌دهد متداول‌ترین شیوه نگارش واژه یا همان املائی کلمه است. در مقابل صورت نوشتاری واژه چگونگی تلفظ یا به عبارتی آوانگاری واژه قابل مشاهده است. سپس چنانچه مدخل موردنظر دارای گونه(های) دیگر، املا(های) دیگر، صورت(های) جمع یا مفرد (در مورد اسامی)، صورت تفضیلی و عالی (در مورد صفت‌ها)، هم‌آوا، صورت گفتاری، صورت کوتاه و ... باشد در میان دو قلاب پس از تلفظ واژه می‌آید. اطلاعات ریشه‌شناسی، اطلاعات مربوط به واژه‌های مصوب فرهنگستان و مانند آن ... نیز در این قسمت در میان دو کمان ضبط می‌شود. در تصویر شماره ۳ با مستطیل قرمز مشخص شده است.

بخشی که در تصویر ۴ الف با کادر قرمز رنگ مشخص شده یکی از تفکیک‌هایی است که دارای هویت صفت است. با مشاهده تصویر ۴-ب می‌توان به تصویر روشن‌تری از هویت دستوری و تفکیک‌های معنایی که در زیر یک هویت قرار می‌گیرند دست یافت. از این تصویر می‌توان دریافت که واژه «ارجل» علاوه بر صفت می‌تواند در نقش اسم نیز ظاهر شود. در چنین مواردی در صورت امکان واژه در نقش متداول‌تر تعریف شده و هویت دیگر یا نقش دیگر به آن ارجاع داده می‌شود. در اینجا صفت اصل قرار گرفته، یعنی واژه در نقش صفتی تعریف شده و برای واژه در نقش اسمی تعریفی ارجاعی در نظر گرفته شده است. یعنی ارجاع به صفت. تعریف اسم به صفت ارجاع شده است.

در همه مدخل‌ها و به عبارت دقیق‌تر در همه تفکیک‌های مدخل‌ها پس از تعریف، برای واژه شاهد‌هایی ارائه شده است. منظور از شاهد جملاتی است که واژه مورد نظر در آن به کار رفته و به عبارتی کاربرد واژه را نشان می‌دهد. شاهد‌هایی که به کار گرفته می‌شود دارای چند ویژگی عمده هستند. یکی اینکه تمامی شاهد‌ها از متن اصلی انتخاب می‌شوند یعنی شاهد‌ها کاربرد واقعی زبان را نشان می‌دهند و هیچ‌کدام ساخته تعریف‌نگار نیستند. دیگر اینکه در صورت امکان برای هر قرن یک شاهد ارائه می‌شود به این ترتیب روند تاریخی کاربرد واژه به نوعی مشخص می‌شود. در تصویر شماره ۵ شواهدی که تعریف‌نگار برای واژه «دعا» ارائه کرده است قابل مشاهده است. شواهد این واژه از قرن سه شروع می‌شود و به ترتیب برای قرن‌های چهار، پنج، شش و ... شاهد ارائه شده است.

وضعیت: «در حال اصلاحات ویراستاری اول»

دعا (ء) do'â(') [جمع: ادعیه؛ جمع‌الجمع: ادعیه‌جات]

۱. (اسم) خواندن یا گفتن عبارت‌هایی خطاب به خدا یا بزرگان دین برای برآورده شدن خواسته‌ای؛ توسعاً عبادت.

۳. گه قنینه به سجود اوفتد از بهر دعا / گه ز غم برفکند یک دهن از دل خونا (فیروز مشرقی: شمس قیس، ۲۹۲) || ق ۴. داود به دعا و گریستن مشغول شد،

خدای عزّ و جل مر جبریل را بازفرستاد، بر ایشان آتش بارید (بلعمی^۱، ۵۵۵) ||

۵. چون وی از دعا فارغ شد، میخ سپید برآمد (سورآبادی^۲، ۱۹۲/۱) || ق ۶. چون

از نماز پیردازی در دعا کوش و در نیاز نمودن رنج بر (میبدی، ۵۳۳/۱۰) || ق ۷.

من از آن سخن اندیشمند شدم و روزه‌دار بودم. به خانه رفتم و آن شب روزه نگشادم

تصویر ۵

ارجل^۱ arjal [عربی]؛ (در گذشته اعتقاد داشتند که حیوان با چنین ویژگی، شوم است)

یک. (صفت) ۱. (جانورشناسی) (در مورد چهارپایان خصوصاً اسب) که دارای یک پا یا دست سفید است.

تصویر ۴-الف

دو. (اسم) ۱. ← ارجل^۱ یک ۲.

ق ۶. اندر حرام‌زادگی از استران عهد / آن ارجل درشت‌سر نرم‌سم تویی (خاقانی^۱، ۹۳۲) || ق ۱۰. شکیل و ارجل و عقرب مکن یاد / کزین هریک دهد صد خانه برباد (فرس‌نامه منظوم، ۱۴۰)

۲. ← ارجل^۱ یک ۱.

ق ۷. ارجل و اشکل و ابلق نباید خرید که هر سپیدی که بر اسپ بینی بر هر اندامی که بود آن عیب بود یکرنگ از همه بهتر باشد و از همه رنگ‌ها کمیت بهتر باشد (فخر مدبر، ۱۹۱) || ق ۱۲. نارسایی به تک جرأت ادهم پیچید / گام چندی به قفا زد ز رکاب ارجل (بیدل، ۱۵۱/۱)

تصویر ۴-ب

در فرهنگ برای سهولت دست‌یابی به واحدهای واژگانی و نیز نشان دادن ارتباطات معنایی و ساختی میان آن‌ها برخی واژه‌ها مدخل اصلی محسوب می‌شوند و بخشی دیگر زیرمدخل. ساختار مدخل‌های فرعی کمی با ساختار مدخل‌های اصلی تفاوت دارد. مؤلفه‌ای را که مدخل با آن آغاز می‌گردد، سرمدخل می‌گویند. مدخل‌هایی را که به صورت مستقل می‌آیند و به صورت مستقیم در دسترس قرار می‌گیرند و نه از طریق مدخلی دیگر، «مدخل اصلی» می‌گویند و مدخل‌هایی را که در ذیل مدخلی دیگر می‌آیند و دسترسی به آن‌ها صرفاً از طریق مدخلی دیگر صورت می‌گیرد، «مدخل فرعی» می‌گویند. واژه‌ها و واحدهای واژگانی بزرگ‌تر از واژه و به عبارت دیگر ترکیبات نحوی، مدخل فرعی خواهند شد. ملاک‌های صوری و ساختی ملاک این تقسیم‌بندی است. به عنوان مثال در تصویر شماره ۷ «ادیب» مدخل اصلی محسوب می‌شود و «ادیب کردن» زیرمدخل «ادیب». در چنین مواردی چنانچه معنای زیرمدخل با یکی از تفکیک‌های معنایی مدخل اصلی مترادف باشد به آن ارجاع داده می‌شود، در غیر این صورت به صورت مستقل تعریف می‌شود (تصویر ۹).

ارجاع‌دهی شیوه‌ای متداول در امر فرهنگ‌نویسی است و در این فرهنگ نیز مانند دیگر فرهنگ‌ها از این شیوه استفاده شده است. اما تفاوت نسخه برخط فرهنگ جامع و نسخه‌های چاپی در سهولت استفاده از آن برای کاربر است. هر جا که به مدخلی دیگر یا واژه‌ای دیگر ارجاعی وجود داشته باشد به سادگی با کلیک بر روی آن می‌توان به مدخل موردنظر دسترسی پیدا کرد اگرچه هنوز دسترسی به آن در فرهنگ جامع فعال نشده است.

به عنوان مثال در تصویر زیر (تصویر ۶) مدخل «اجاره‌نامه‌چه» به مدخل «اجاره‌نامه» ارجاع شده است. به عبارت دقیق‌تر کاربر برای دسترسی به تعریف بر روی مدخلی که به آن ارجاع شده است یعنی واژه‌ای که پس از پیکانه نوشته شده است کلیک می‌کند و می‌تواند به اطلاعات موردنظر دسترسی پیدا کند.

درباره فرهنگ دست‌اندرکاران فهرست منابع تماس با ما اجاره‌نامه‌چه

آ ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی

وضعیت: «تایید شده»

اجاره‌نامه‌چه ejârenâmče [← اجاره + نامچه >]

← اجاره‌نامه.

۱۴. ورتمان ... راه شوسه آستارا به اردبیل را به موجب اجاره‌نامه‌چه‌ای که با تصدیق قنصل ایران در دست داشت، مدعی شد (سیاح^۱، ۵۳۵) || ۱۳۰۵ ش. بابا حیدر ابتدا سست شد و چون متوجه شد چه خبطی کرده و ... خانه را بدون اجاره‌نامه‌چه‌ای به حاجی آقا تحویل داده بود دست‌وپای خود را گم کرد (مشفق^۲، ۱۶۶) || ۱۳۲۳ ش. خواننده، برگ اجاره‌نامه‌چه سابق را مدرک قرار داده (ناشناس: مجموعه حقوقی، ش ۱۲۲/۲۶۹) || ۱۳۶۳ ش. چون مهلت اجاره‌نامه‌چه سر آمد، موجر از تمدید آن سرباز زد (نجفی - سیدحسینی، ۴۱) || ۱۳۸۸ ش. نوشتارهای حقوقی متعدد این

ادیب کردن

(معمولاً در مورد حیوان) تعلیم دادن و تربیت کردن آن.

ق ۵. باب اندر آن که چون باز وحشی به دست آید، چگونه باید آموختن و ادیب و

گیرا کردن (ابوالحسن نسوی، ۹۱) || خَرَج: ادیب کرد (ادیب نطنزی^۱، ۳۱۰)

ترکیبات: چوب ادیب

تصویر ۷

ادیب adib [جمع: ادیبان؛ <عربی>]

یک. (صفت) ۱. (در مورد کسی) که در دانش‌های ادبی تخصص دارد یا به نویسندگی، شاعری، سخنوری و مانند آن‌ها می‌پردازد.

ق ۴. زید بن عدی از پدر ادیب‌تر و فصیح‌تر بود و هر دو زبان آموخته بود و دبیر بود،
هم به پارسی و هم به تازی (بلعمی^۲، ۸۱۴/۲) || ق ۵. همه مردمان شاعر و ادیب و

ارجاع کردن

۱. (معمولاً با حرف اضافه به) بازگرداندن کسی به جای قبلی خود.

ق ۱۳. اگر دولت ایرانیه ... آقای مرقوم را ارجاع بکند از مرارت و مسئولات آتیه یعنی
از این بزرگ‌تر مقابله حقیقه خلاص خواهد شد (فرخ‌خان، ۳۱۱/۴)

۲. (معمولاً با حرف اضافه به) آ ارجاع ۲. اسناد امین‌الدوله، ج ۳

۱۳۰۵ ش. آفرین، خوب فهمیدی، می‌خواستم مأموریتی به تو ارجاع کنم (مشفق^۲،

۳۷۰) || ۱۳۲۱ ش. از همین جهت قبل از تشکیل محکمه پرونده‌ها را به مدعی‌العموم

ارجاع کردند که پس از جمع‌آوری دلایل کافی‌تری به محکمه مسترد دارد (علوی^۱،

۱۸۴) || ۱۳۵۳ ش. شاه عباس خیلی مایل بود که مقدس اردبیلی خدمتی به او ارجاع

کند تا اینکه اتفاق افتاد که شخصی به علت تقصیری از ایران فرار کرد (مطهری^۱،

۳۰۳) || ۱۳۸۲ ش. بازپرس شعبه ۹ ... پس از مدتی مطالعه کار پرونده را به

کارشناس ارجاع کرد (جعفری، ۸۲۸/۲)

تصویر ۹

پیش از این گفته شد که تعریف‌نگاری در گروه فرهنگ‌نگاری در محیط نرم‌افزار فرهنگ‌نگار انجام می‌شود و کاربر بلافاصله می‌تواند به اطلاعات وارد شده توسط تعریف‌نگار دسترسی پیدا کند. اما روند کارگروه فرهنگ‌نویسی به این صورت است که پس از تعریف واژه توسط تعریف‌نگار بایستی در چند بخش مختلف مورد ویرایش و یکسان‌سازی قرار بگیرد و به عبارت دیگر اطلاعات تکمیل شده و بهترین شکل ممکن را به خود بگیرد. لازم است کاربر نیز در جریان مراحل انجام شده و باقی‌مانده قرار بگیرد. به منظور اطلاع کاربر از اینکه واژه در کدام مرحله قرار دارد و اینکه کاربر تا چه حد می‌تواند به اطلاعات موجود اعتماد کند، در نسخهٔ برخط بخشی تحت عنوان «وضعیت» طراحی شده است. این اطلاعات که با رنگ سبزرنگ مشخص شده است چند وضعیت مختلف را نشان می‌دهد: در حال اصطلاحات ویراستاری اول؛ منتظر ویراستاری اول؛ در حال تعریف‌نگاری؛ در حال تأیید و مانند آن (تصویر ۱۱).

زمان ایجاد مدخل و آخرین زمان تغییر یا ویرایش آن نیز در کادری آبی‌رنگ در کنار تمامی مدخل‌ها نمایش داده می‌شود (تصویر ۱۱).

زیر مدخل‌ها به ترتیب الفبا پس از تمامی تفکیک‌ها و شواهد مدخل اصلی می‌آیند. در تصویر زیر (تصویر ۱۰) «ارتعا نمودن» پس از مدخل اصلی «ارتعا»، تفکیک‌ها و شواهد آن، آمده است



تصویر ۱۰



تصویر ۱۱

تاریخ آخرین ویرایش: چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸، ساعت ۹:۵۶

تاریخ تولید: شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۸، ساعت ۲۴:۵۵

دریافت دیدگاه

وضعیت: «در حال اصلاحات ویراستاری اول»
دعا (ء) do'â' [جمع: ادعیه؛ جمع الجمع: ادعیه-جات]
 ۱. خواندن یا گفتن عبارتهایی خطاب به خدا یا بزرگان دین برای برآورده شدن خواسته‌ای؛ توسعاً عبادت.
 ۳. گه قنینه به سجود افتد از بهر دعا / گه ز غم برفکند یک دهن از دل خونا
 (فیروز مشرقی: شمس قیس، ۲۹۲) || ق ۴. داود به دعا و گریستن مشغول شد،
 خدای عزّ و جل مر جبریل را بازفرستاد، بر ایشان آتش بارید (بلعمی^۱، ۵۵۵) ||

تصویر ۱۲

وضعیت: «در -
دعا (ء) do'â'
 اسم) ۱. خوا
 نندن خواسته‌ا
 ۳. گه قنینه
 فیروز مشرقی
 خدای عزّ و
 تصویر ۱۳

از جمله دیگر ویژگی‌های این فرهنگ نسبت به دیگر فرهنگ‌ها امکان نظرخواهی از کاربران است. در هر مدخل بخشی با عنوان دریافت دیدگاه وجود دارد. در تصویر شماره ۱۲ با فلش سبز رنگ مشخص شده است.

کاربر با کلیک بر روی آن به کادری دسترسی پیدا خواهد کرد که شامل سه بخش است. در تصویر شماره ۱۳ با فلش سبز رنگ مشخص شده است.

کاربر اطلاعات تماس خود را وارد کرده و چنانچه نظری یا نقدی درباره مدخل داشته باشد در کادر متن دیدگاه وارد می‌کند.

معرفی رسانه درست نویسی «ویراستاران»

چند فرسته

برای واژه‌هایی بر وزن «استفعال» بهترین جزء فعلی «کردن» است. یعنی وقتی قرار است به صورت فعل مرکب بیایند، جزء فعلی‌شان (هم‌گردد) را «کردن» بیاورید که حتی حساس‌ترین ویراستار هم به شما گیر ندهد!

استفاده کردن، نه استفاده بردن
استعفا کردن، نه استعفا دادن
استعلام کردن، نه استعلام گرفتن
استمداد کردن، نه استمداد طلبیدن

باب «استفعال» در خودِ عربی به معنای «طلب کردن چیزی» است:
استفاده: طلب فایده
استعلام: درخواست علم و دانستن
استعفا: خواستن عفو و عذر
استنطاق: طلب نطق و حرف
استفراغ: درخواست راحتی و فراغت!

جالب اینکه «استعمار» معنای مثبتی داشت: طلب آبادانی و عمران و رشد. به‌مرور زمان، با عملکرد استعمارگران، بارش منفی شد.



فرناز صادقی^۱

ویراستاران

مدیر: محمدمهدی باقری

سال تأسیس: ۱۳۹۵

تعداد کاربران: ۹۵۳۰

تعداد فرسته‌ها: —

انگیزه و هدف تأسیس: در ویراستاران کمک می‌کنیم تا حال «زبان فارسی» تان خوش باشد. «ویراستاران» فعال‌ترین گروه ویرایشی در ایران است که قصد دارد به روند کار ویرایش متن‌های فارسی، سرعت و دقت بخشد و به علاقه‌مندان وادی درست‌نویسی آموزش‌های کارآمد و جذاب دهد.

نشانی: —

<https://t.me/virastaran>

تلگرام:

virastaran.net/ma

وبگاه:

bagheri@

ارتباط با ادمین:

نمونه ویرایش #پیچیده‌نویسی

جمله این است:

«دولت‌سازی، ترویج حقوق بشر و یک دستگاه قضایی و یک رسانه مستقل و نیز گذار به اقتصادی بازارآزادی از جمله این پیش‌نیازها است. در این جمله، بندهای هم‌پایه عبارت است از:

۱. دولت‌سازی؛
۲. ترویج حقوق بشر و یک دستگاه قضایی و یک رسانه مستقل؛
۳. گذار به اقتصادی بازار آزادی

که به شکل «...» و نیز «...» نوشته شده‌اند.

حال، در بند ۲، «ترویج» هم به «حقوق بشر» برمی‌گردد؛ و هم به «یک دستگاه قضایی و یک رسانه مستقل!»

باز، در قسمت دوم آن، «مستقل» هم به «یک دستگاه قضایی» برمی‌گردد و هم به «یک رسانه مستقل».

خدا رحمت کند خواننده بدبخت را.

۱ هیئت‌علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی



درگذشت سوسن طاقدیس

سوسن، کلی که در طاقدیس ادبیات کودک و نوجوان ایران شکفت (داستان دو داستان او در کتاب‌های درسی)

دکتر حسن ذوالفقاری^۱

سوسن طاقدیس (۱۳۳۸-۱۳۹۹) خاطره‌ساز کودکان و نوجوانان ایرانی درگذشت. خبری کوتاه اما ناگوار. در نهایت بهت و غوغای کرونا. سال‌ها بود که دیابت داشت. همه دعا می‌کردیم بهبود یابد اما درگذشت. در ۶۱ سالگی؛ اما داستان‌هایش، یاد او را در ذهن کودکان و نوجوانان و ما و همه علاقه‌مندانش زنده نگاه می‌دارد. با او در سال ۱۳۷۹ آشنا شدم در جریان انتخاب و سفارش دو داستان او برای کتاب‌های درسی.

اول: «قدم یازدهم» او که سرگل کتاب‌هایش است و بسیار رمزی و نوآورانه. به همین دلیل آن را در سال ۱۳۸۱ در کتاب سال چهارم دبستان در بخش روان‌خوانی آوردیم و هنوز هم هست. اگر روزی قرار باشد نمادپردازی در کتاب‌های کودک بررسی شود، باید با این کتاب ماندنی آغاز کرد. قدم یازدهم داستانی زیبا درباره ترس‌های آدم و مقابله با آن‌ها و رها شدن از چنگ عادت‌هاست. شیر کوچولو در یک قفس کوچک در یک باغ وحش به دنیا آمده و دوست دارد راه برود و بازی کند اما کل قفسش به اندازه ده قدم است. اگر قدم یازدهم را بردارد، کله‌اش دنگی می‌خورد به میله‌ها و حسابی درد می‌گیرد. شیر کوچولو دیگر یاد گرفته و عادت کرده که بیشتر از ده قدم بر ندارد؛ اما یک

روز وقتی نگهبان فراموش می‌کند در قفس شیر کوچولو را ببندد، یواش از قفس بیرون می‌رود و ماجراهای بعد. برای همین کتاب بود که در سال ۱۳۸۶ برگزیده بیست‌وسومین دوره کتاب سال شد. سید سروش طباطبایی‌پور از معلمان دوره ابتدایی درباره این درس می‌نویسد:

دو سال از بهترین سال‌های عمرم، وقتی بود که معلم بچه‌های کلاس چهارم دبستان بودم؛ یکی از عجیب‌ترین خاطره‌هایم، زمانی بود که به درس «قدم یازدهم»، نوشته «سوسن طاقدیس» می‌رسیدیم. داستان بچه‌شیری که طول قفسش، فقط ده قدم بود و نمی‌دانست که می‌تواند قدم یازدهم زندگی‌اش را هم بردارد؛ حتی زمانی که نگهبان باغ وحش، به اشتباه، در قفس را باز گذاشته بود! کشش داستان، به حدی بود که بچه‌های پرجنب و جوش کلاس را، روی نیمکت‌ها میخ کوب می‌کرد. بچه‌ها می‌خواستند بدانند که بچه‌شیر، بالأخره قدم یازدهم را برمی‌دارد و به دنیای آزادی قدم می‌گذارد یا نه؟ آن روز، کلی با بچه‌ها درباره داستان حرف می‌زدیم و فکر می‌کردیم. وقتی زنگ می‌خورد، چشمان بچه‌ها مثل چشم‌های همان بچه‌شیر، برق می‌زد. انگار، هرکدامشان وقتی قدم‌هایشان را از کلاس بیرون می‌گذاشتند، هنوز درگیر داستان بودند و به عاقبت بچه‌شیر فکر می‌کردند.^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی،

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

پدربزرگش شنیده، نوشته است. داستان درباره قبیله ای کولی است و ماجرای دختری به نام «همه ناز» که در این قبیله زندگی می کند. سوره مهر هم قرار است «از خاک تا خدا» را منتشر کند. این کتاب شامل تعدادی از داستان های نوجوان است. او در کنار داستان نویسی شعر هم می سرود. جز جایزه کتاب سال، چندین جایزه دیگر مثل لوح تقدیر دانشگاه الزهرا برای مجموعه فعالیت هنری، لوح سپاس از مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری سال ۱۳۷۹، جایزه پروین اعتصامی برای کتاب «شما یک دماغ زرد ندیدید؟» در سال ۱۳۸۴ هم کسب کرد.

معناگرایی و عمق از ویژگی های کتاب های خانم طاقدیس است. کم می نوشت اما هدف دار و بسیار سخت گیرانه می نوشت. وسواس داشت. اصراری نداشت هر سال چندین کتاب کودک بنویسد. اهل نگارش سفارشی نبود اما یکبار چنین کرد و آن یکبار هم برای کتاب های درسی بود. حسین فتاحی او را نویسنده کودک به تمام معنا می داند و درباره اش می نویسد:

مهم ترین نکته ای که درباره سوسن طاقدیس می توانم بگویم، علاقه شدید او به ادبیات کودک است. سالیان سال قبل، وقتی در نشریه کیهان بچه ها پنج شنبه ها جلسه داشتیم، هر هفته در جلسه حاضر می شد و داستان جدیدی هم می آورد. خیلی ها فقط در جلسه شرکت می کردند اما او هر جلسه با داستان می آمد. حتی وقتی بچه دار شد، نوزاد یکی دو ماهه اش را به جلسه می آورد، روی صندلی کناری اش می گذاشت، برایش توی شیشه شیر درست می کرد، پوشکش را عوض می کرد و داستان می خواند. سال هاست که طاقدیس به طور تخصصی در زمینه ادبیات کودک کار می کند. اکثر ما، هم برای کودک، هم نوجوان و هم بزرگ سال داستان می نویسیم، اما او مدتی است به صورت تخصصی برای کودکان می نویسد و چندان از این شاخه به آن شاخه نمی پرد و در زمینه ادبیات کودک وسواس زیادی دارد.^۱

وی طی سال های فعالیت خود علاوه بر همکاری با نشریات کیهان، سروش، گروه مجلات رشد آغاز کرد. شادروان امیرحسین فردی در کیهان بچه ها در وی اثرها گذاشت. در یادداشتی ضمن آن که فردی را در حکم پدر و راهنمای خود می داند، آغاز فعالیت هایش را در کیهان بچه ها چنین توصیف می کند:

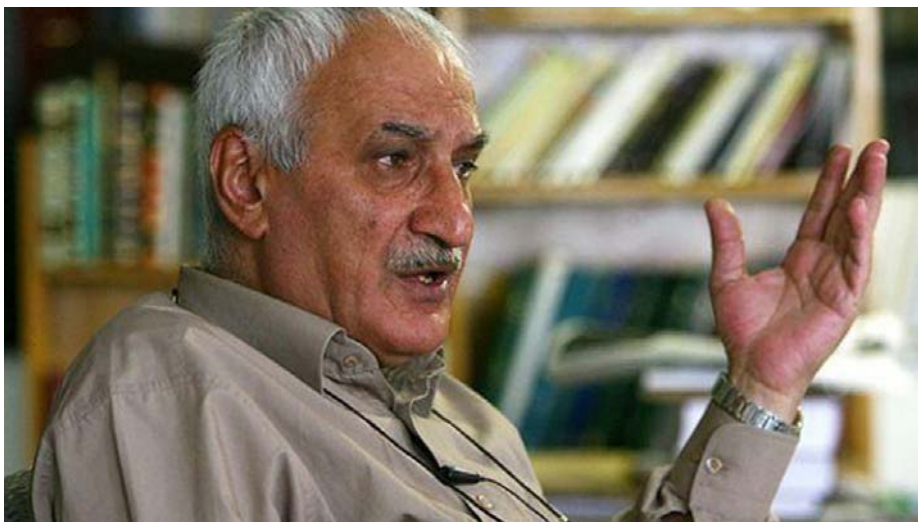
نمی دانم قیافه ام بود. لباسم بود. کفش های پلاستیکی ارزان قیمت بود که کمی رنگ صورتی داشت و برای همین این قدر ارزان بود و یا رفتارم. یا بلد نبودم سرم را پایین بیندازم چون می ترسیدم، ولی همه یک جور دیگر من را می دیدند. چون در موقعیتی بودم که فکر نمی کنم به جز من آدم دیگری، دختر دیگری در آن موقعیت بود. می ترسیدم، چون پدرم گفته بود اگر به تهران رفتم دیگر جایم توی خانه نیست. دیگر حق ندارم به خانه برگردم و اگر برگردم باید با پسر یکی از اقوام ازدواج می کردم. تازه فقط این نبود. من در واقع برای کار در تلویزیون به تهران آمده بودم و با اختلافی که بین مدیر گروه و بقیه افراد

دوم: در سال ۱۳۸۰ که مشغول برنامه ریزی و تدوین کتاب درسی سال سوم ابتدایی بودیم، یکبار از ایشان دعوت کردیم و خواستیم برای کتاب فارسی سال سوم ابتدایی داستانی با موضوع کمرویی و خجالت برای بچه ها بنویسد. از روش های ما در آن سال ها این بود از نویسندگان کودک و نوجوان دعوت می کردیم خود داستانی متناسب با موضوع درس ها یا بنویسند یا از میان آثار خود انتخاب کنند یا آثارشان را متناسب سازی کنند. در همان سال با چند نفر چنین قراری گذاشتیم از جمله آقای هوشنگ مرادی کرمانی، آقای اسدالله شعبانی و یکی هم خانم سوسن طاقدیس. یکی از مشکلات روانی تربیتی کودکان ابتدایی که کمرو و خجالتی هستند و اعتماد به نفس کافی برای اظهار وجود و شرکت در مباحث کلاسی و اجتماعی را ندارند. قرار شد از ایشان دعوت کنم و این کار را برای ما انجام دهد. دوست و همکار صمیمی ایشان سرکار خانم متین پدرامی که خود هم دستی در نوشتن داشت، همسایه ما بود. آن ها در مجله کیهان بچه ها همکار بودند. خانم طاقدیس فعالیت حرفه ای خود را با کیهان بچه ها آغاز کرد اما دیری نپایید و مثل بسیاری نویسندگان خوش قلم از آنجا کوچ کرد. خلاصه قرار را گذاشتیم. روز سه شنبه ای بود. ایشان را تا آن روز ندیده بودم. تلفنی چندبار چرا اما حضوری نه. وقتی دیدمش انگار سال ها دوستی داشتیم. مثل همه شیرازی ها مهربان و خونگرم و زودجوش بود. خیلی صبور و متین. سر صحبت که باز شد اول هر چه دق دلی به حق از کتاب ها داشت، سرداد و ما هم که می دیدیم درست می گوید تأیید می کردیم و علت حضور ایشان را همین انتقادهای به حق می دانستیم. بعد که نوبت به من رسید خواسته را گفتم. بعد از آن که یک ساعته درباره فصل بندی کتاب های جدید صحبت کردیم و گفتیم که در فصل سوم کتاب سال سوم قرار است از منظر ادبی به موضوع کمرویی بپردازیم و خیلی حرف های دیگر، گفت من هیچ وقت داستان سفارشی ننوشتم. اصلاً این کار را ناممکن می دانست و معتقد بود هیچ گاه به سفارش چیزی ننوشته اما با بحث های زیاد متقاعد شد این بار برای کودکان ایران و کتاب های درسی مطلبی بنویسد و نوشت. چند روایت و داستان نوشت و به ما حق انتخاب داد و ما یکی را انتخاب کردیم. الحق داستان را خوب و با هوشمندی و درک روان شناسانه از آب و گل در آورده بود. اکنون این درس حذف شده است.

طاقدیس بزرگ در ناودیس آثارش کتاب های دیگر هم دارد: داستان هایی چون «بابای من دزد بود»، «زرافه من آبی است»، «پشت آن دیوار آبی»، «هزار سال نگاه»، «تو هم آن سرخی را می بینی»، «دخترک و فرشته اش»، «یکی بود» و «جوراب سوراخ»، «پیامبر بی پایان»، «پری چه کسی را با خود برد؟»، «ته ته ته چاه، شب» «صدای پای بزغاله های سبز»، «هزار سال نگاه» و «شب و شیطان و شمشیر» می شناسیم. چند کتاب منتشر نشده هم دارد: یکی رمان عاشقانه ای برای نوجوانان به نام «دره کولی گش» که بر اساس داستانی واقعی که

1 <https://www.hamshahrionline.ir/new>

نگیرید. ما خودمان می‌نوسیم.» و سعی کرد که این حرفش را من نشنوم. آقای فردی به من و به او نگاه کرد و گفت: نه پسر من نگاه نکن که چه کسی می‌نویسد. نگاه کن و ببین که چه نوشته است. قصه‌ام چاپ شد؛ هیچ‌کس هم از مجله اخراج نشد. مدت‌ها با قصه‌هایم در کنار آقای فردی ماندم. خیلی عجیب بود، او بی آنکه از مشکلاتم چیزی بداند انگار فهمیده بود که من در چه وضعیتی هستم. حتی یک بار که از او به خاطر رفتارش تشکر کردم، خندید و گفت: نه شما به من لطف داشتید. آن روز که آن قصه بلند را به من دادید ما همه چیز داشتیم جز یک قصه بلند و شما با قصه‌تان به ما کمک کردید. او با آنکه من را نمی‌شناخت. تا سال‌های سال. از دور یا نزدیک. بامحبتی بی‌شائبه. مثل یک پدر. تکیه‌گاه من بود.



پیام تسلیت دکتر غلامعلی حداد عادل به مناسبت درگذشت استاد حسن انوشه

استاد حسن انوشه، نویسنده، پژوهشگر تاریخ، زبان و ادبیات فارسی و سرپرست گروه نویسندگان دانشنامه ادب فارسی، به علت بیماری سرطان ظهر امروز، ۲۳ فروردین ماه، در سن ۷۶ سالگی درگذشت. به همین مناسبت، دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در پیامی درگذشت وی را تسلیت گفت. متن پیام مذکور به این شرح است:

بسمه تعالی

درگذشت شادروان حسن انوشه مایه تأثر و تأسف آشنایان و دوستداران آن مرحوم است. وی پژوهشگری پرکار بود که با تألیف و ترجمه کتاب‌های فراوان میراث سودمندی از خود در زمینه زبان و ادب فارسی در خارج از مرزهای ایران کنونی، و نیز در زمینه تاریخ ایران، به جا گذاشت.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی درگذشت ایشان را به اهل ادب و بازماندگان آن مرحوم تسلیت می‌گوید و برای وی از خداوند کریم آمرزش و آرامش روان مسئلت می‌کند.

غلامعلی حداد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

پیام-تسلیت-دکتر-غلامعلی-حداد-عادل-به-<https://apll.ir/1399/01/23>

مؤثر در سازمان تلویزیون پیش آمده بود، ایشان را از تلویزیون اخراج کرده بودند و چنان که در آن زمان رسم بود همه افرادی که ایشان برای کار به تلویزیون برده بودند همه باهم اخراج شدیم. کارم را ازدست داده بودم. به خودم می‌گفتم وای اگر به خانه برگردم. باید به یک زندگی اجباری تن می‌دادم. دیگر از رؤیای بزرگم یعنی نویسندگی چیزی باقی نمی‌ماند. از خانه‌ای که نه ... از زندانی به زندان دیگر می‌رفتم؛ و دیگر هیچ امیدی برایم باقی نمی‌ماند. دیگر حق نداشتم هیچ رؤیایی داشته باشم.

به هیچ‌کس نگفته بودم. خجالت می‌کشیدم. آن روز که از کارم بی‌کار شدم تا مدتی گیج و منگ در خانه نشستم. خانه که نه... اتفاقی روی پشت بام یک خانه که متعلق به یک خانم پیر و تنها بود. با پشت‌بامی پر از برف و روزهای ابری و تاریک؛ و یک اجاق برقی فسقلی که تنها وسیله گرم‌کننده اتاق بود و خانم صاحب‌خانه که دم‌به‌دم یواش می‌آمد و یک‌دفعه می‌پرید وسط اتاق تا ببیند من چه کار می‌کنم. به خودم قول دادم حتی اگر نتوانم در کیهان بچه‌ها و یا کانون کاری پیدا کنم به خانه بر نمی‌گردم. حتی اگر مجبور شوم در خانه‌های مردم کار کنم. وقتی از حالت گیجی و منگی بیرون آمدم، به یاد یک سوژه جدید افتادم که ذهنم را پر کرده بود. اسمش (زنده زیرخاک) بود. مثل حالی که خودم داشتم. شروع کردم ... کاغذ کم داشتم. باید همه چیز را در صفحه‌های کم جا می‌دادم. باید ریزریز می‌نوشتم. شروع کردم. نوشتم ... نوشتم. چهار روز نخوابیدم. نوشتم ... نوشتم و نوشتم. روز دوم دیگر چیزی از نان و پنیر یخ زده پشت پنجره نمانده بود. یک گوشواره داشتم. یادگار مادر بزرگم بود. رفتم که آن را بفروشم ولی دلم نیامد هر دو لنگه‌اش را بفروشم. یک لنگه را دادم و یک لنگه را نگه داشتم. تا آن موقع آقای نوروزی سردبیر کیهان بچه‌ها بود. وقتی داستان بلند یا رمانم تمام شد، به کیهان بچه‌ها رفتم ولی ... جو عوض شده بود. آقای نوروزی رفته بود و آقای فردی آمده بود. تا از در وارد شدم بر و بچه‌های قبلی خیرها را به من دادند. یواشکی؛ با صدای آهسته... سردبیر آقای فردی است و می‌گویند خودش یک گروه نویسنده دارد. حتماً همه ما را اخراج می‌کند و گروه خودش را می‌آورد. تو که اصلاً در مجله استخدام نیستی، حتماً کار تو را نمی‌پذیرد. دور میز آقای فردی پر از بچه‌هایی بود که نمی‌شناختمشان. ماتم برده بود. با ناامیدی به آن‌ها نگاه کردم. آن‌قدر شلوغ بود که آقای فردی پیدا نبود. حالا باید چه کار می‌کردم. امیدی نبود. باید تا کسی متوجه من نشده بود بلند می‌شدم و از آنجا می‌رفتم. ولی... ناگهان دور میز آقای فردی خلوت شد. همه برای خوردن ناهار رفتند. آقای فردی هم داشت آماده می‌شد تا برود. رفتم جلو ... سلام کردم. قصه‌ام را به او دادم و گفتم: این یک قصه دنباله‌دار است.

آقای فردی با تعجب به من نگاه کرد که دلیلش را نفهمیدم. یک لبخند کوچک زد و دوباره نشست و شروع کرد به خواندن قصه و بعد گویی یادش رفت که باید برای خوردن ناهار برود. چندبار صفحات قصه را ورق زد. من کمی دورتر ایستاد بودم و دیدم که یک نفر آمد و گفت: «چرا نمی‌آیید! همه منتظر شما هستند.» آقای فردی گفت: «خانم طاق‌دیس یک قصه آوردند. فکر کن یک قصه دنباله‌دار.» آن شخص نگاهی به من کرد و گفت: «از هرکسی قصه

توضیح فرهنگستان درباره واژه‌های مرتبط با بیماری کوید - ۱۹

درگذشت شادروان نجف دریابندری

نجف دریابندری (۱ شهریور ۱۳۰۸ - آبادان / ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ - تهران) مترجم و نویسنده معاصر ایرانی، درگذشت. آن‌گونه که خود در زمان حیاتش گفته بود وی متولد ۱۳۰۷ در محله حمام جرمنی آبادان بوده، اما به دلایلی سال تولدش در شناسنامه ۱۳۰۸ ثبت شده بوده است.

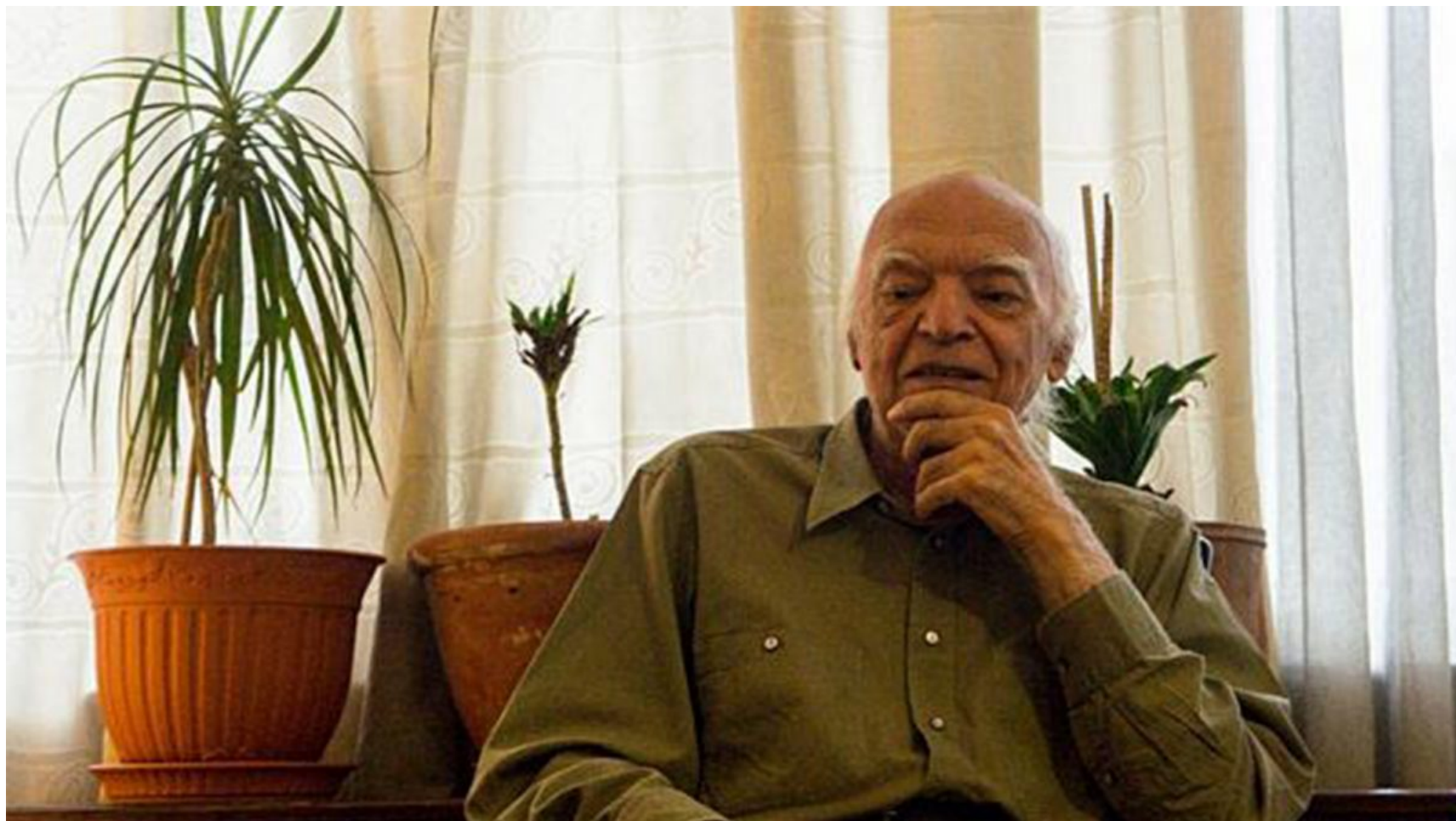
نجف دریابندری از جمله مترجمان چیره‌دستی بود که در این حرفه به صورت تجربی بالیده بود و تحصیلات دانشگاهی‌ای در این زمینه نداشت و زبان انگلیسی را نیز به صورت خودآموز فراگرفته بود. وی در این باره گفته بود: «ترجمه علم نیست، بلکه عمل است و کاری است که آدم با آموزش منظم یا غیرمنظم یاد می‌گیرد و در هر حال از راه آزمایش و خطا. ترجمه خوب ترجمه‌ای است که مترجم بتواند متن را به صورتی ترجمه کند که خود نویسنده اگر هم‌زبان مترجم بود آن متن را به آن صورت می‌نوشت. مترجمی که به این نظریه مجهز شد یک‌راست می‌رود توی جلد نویسنده و درست مانند خود او می‌نویسد».

سازمان میراث فرهنگی ایران، در سال ۱۳۹۶، او را به‌عنوان گنجینه زنده بشری در میراث «خوراک»، در فهرست حاملان میراث ناملموس (نادره‌کاران) ثبت کرد. وی همچنین به مناسبت ترجمه آثار ادبی امریکایی، جایزه تورنتون وایلدن را از دانشگاه کلمبیا دریافت کرده بود. ترجمه برخی از آثار ارنست همینگوی، نظیر کتاب وداع با اسلحه، از جمله شاهکارهای دریابندری است.

فرهنگستان در تاریخ، هفتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹، طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور محترم تعدادی از واژه‌های بیگانه‌ای را که در چند ماه اخیر به دلیل شیوع کوید - ۱۹ از طریق مسئولان در رسانه‌ها به کار رفته است، همراه با معادل‌های آن‌ها، اعلام کرد و خواستار آن شد که تذکر لازم از سوی ایشان به تمامی نهادهای ذی‌ربط داده شود. روگرفت این نامه برای وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس محترم ستاد مقابله با کرونا در کلان‌شهر تهران و رئیس محترم صداوسیما نیز ارسال شد.

این نامه توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد که در جای خود مایه خوشوقتی و تشکر است؛ هرچند، فقط به صفحه اول این فهرست توجه شده بود که در آن یک اشتباه کوچک حروف‌نگاری نیز وجود داشت. در این جدول «پنومونی» به جای پنوماتیک ذکر شده و معادل‌های ریوی و ششی در برابر آن آمده است. برای اصلاح این اشتباه و همچنین ارائه اطلاعات بیشتر در مورد واژه‌ها، فهرست جدیدی تهیه شده است. اضافه می‌کند که فرهنگستان درصدد تهیه فرهنگ اصطلاحاتی است که با شیوع بیماری کرونا وارد زبان عموم و متخصصان خواهد شد. امید است این فرهنگ در آینده‌ای نه‌چندان دور منتشر شود و در اختیار مسئولان و علاقه‌مندان به زبان فارسی قرار گیرد.

توضیح-فرهنگستان-درباره-واژه‌های-مرتبط-<https://apll.ir/1399/02/31>



بدان توجه نشده است. در همین دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان متولی امر تربیت‌معلم، معتقد است کمبود استاد برای تربیت‌معلمان دانش‌آموزان دوزبانه یا چندزبانه محسوس است. بسیاری از استادان زبان و ادبیات فارسی، با مقوله دوزبانگی یا چندزبانگی آشنایی چندانی ندارند و از تفاوت‌های آموزش زبان فارسی به کودکان یک‌زبانه یا دو یا چندزبانه خیلی مطلع نیستند. اغلب معلمان ما از روش‌های تدریس زبان فارسی در مناطق دو یا چندزبانه اطلاع دقیقی ندارند و می‌دانند که نیمی از جمعیت جهان، دوزبانه‌اند و نمی‌دانند که در ایران نیز بر اساس آمار موجود، نیمی از جمعیت کشور به یکی از زبان‌های محلی غیرفارسی نظیر گیلکی، کردی، لری، ترکی، بلوچی، عربی و... سخن می‌گویند.

برای اطلاع بیشتر عرض می‌کنیم که مطابق با اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی ایران انتخاب شده، اما استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است. البته می‌دانیم که سیاست‌های زبانی نظام آموزشی ایران، با تمرکز بر زبان فارسی، به‌عنوان زبان رسمی، تنظیم شده و همین امر باعث شده که شمار قابل توجهی از دانش‌آموزان ایرانی با زبان مادری خود که زبانی غیرفارسی است یا گویشی از گویش‌های فارسی است به مدرسه وارد شوند و این گوناگونی زبانی منشأ نقاط قوت یا ضعف فراوانی در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوزبانه باشد.

این مطالب نه‌تنها ذهن ما را در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان به خود مشغول کرده که اخیراً اذهان متولیان و کارشناسان آموزش زبان نیز بدان مشغول شده است. نگاهی به خبرنامه‌های گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به‌عنوان یکی از متولیان امر آموزش زبان فارسی، نشان می‌دهد که آموزش دوزبانه‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی فرهنگستان تبدیل شده است. (ر.ک به خبرنامه‌های شماره ۱۰، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳ و ۳۴ گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی) امروزه وضعیت زبان فارسی در مناطق دوزبانه ایران دیگر یک مسئله نیست، بلکه مشکلی ملی است که در اولین قدم گریبان آموزش و پرورش دوره ابتدایی را گرفته است. متولیان امر آموزش زبان، همواره بر ضرورت انجام پژوهش‌های زیربنایی و جامع در مورد دوزبانگی تأکید می‌کنند. (ر.ک به خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره ۳۲ (بهار، ۱۳۹۶)، ص ۳۵) توجه به نیازهای دانش‌آموزان دوزبانه، در اسناد بالادستی آموزش و پرورش نیز مورد تأکید قرار گرفته است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، سیاست‌های کلی در این زمینه را روشن کرده‌اند. (برای آگاهی از سیاست‌های کلی نظام آموزشی ایران در موضوع دوزبانگی نگاه کنید به:

وی هم‌زمان با چاپ این کتاب در سال ۱۳۳۳، به دلیل فعالیت‌های سیاسی در آبادان به زندان افتاد و بعد از یک سال به زندان تهران منتقل شد. دریابندری در زندان به مسائل فلسفی علاقه‌مند شد و در مدت حبس کتاب تاریخ فلسفه غرب، اثر برتراند راسل را ترجمه کرد. وی پس از تحمل چهار سال حبس، در سال ۱۳۳۷ از زندان آزاد شد.

وی در نهایت به‌عنوان سردبیر در انتشارات فرانکلین مشغول به کار شد و در آنجا به ترجمه آثار ادبی رمان‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان معروف امریکایی پرداخت و کتاب‌هایی همچون پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی، و هاگلبری فین، اثر مارک توین را ترجمه کرد. وی به مدت هفده سال با مؤسسه فرانکلین همکاری کرد و پس از آن برای ترجمه متون فیلم‌های خارجی با سازمان رادیوتلوویزیون ملی ایران قرارداد بست، اما پس از انقلاب اسلامی از این کار نیز کناره گرفت و به‌طورجدی به ترجمه و تألیف پرداخت. ازجمله آثار وی می‌توان به ترجمه کتاب‌های یک گل سرخ برای امیلی و گوربه‌گور، نوشته ویلیام فاکنر، رگتایم و بیلی باتگیت اثر دکترف، معنی هنر، از هربرت رید، و پیامبر و دیوانه، نوشته جبران خلیل جبران اشاره کرد. دریابندری از فارسی به انگلیسی هم ترجمه‌هایی دارد، ازجمله برگردان نیمی از نسخه‌ای از اشغال بهرام بیضایی و ترجمه بیشتر کتاب درد بی‌خویشتنی خودش، که هیچ‌کدام هنوز منتشر نشده است.

در کارنامه شادروان نجف دریابندری این تألیفات نیز به چشم می‌خورد: از این لحاظ (مجموعه مقدمه‌های دریابندری بر ترجمه‌هایش)؛ افسانه اسطوره: شرح چند نظریه در افسانه‌شناسی و نقد یک اصطلاح؛ کتاب مستطاب آشپزی، با همکاری فهیمه راستکار؛ به‌عبارت‌دیگر: مجموعه مقاله‌ها؛ درعین‌حال: مجموعه مقاله‌ها؛ درد بی‌خویشتنی: بررسی مفهوم الیناسیون در فلسفه غرب؛ یک گفت‌وگو، با همکاری ناصر حریری؛ گفت‌وگو با نجف دریابندری، با همکاری مهدی مظفر ساوجی.

درگذشت-شادروان-نجف-دریابندری/17/02/1399/apll.ir/https://

اخذ مجوز مجله علمی - تخصصی آموزش زبان فارسی به کودکان دو یا چندزبانه

ضرورت توجه به آموزش زبان فارسی کودکان، دانش‌آموزان و دانشجویان

دو یا چندزبانه: دو مقوله زبان و ادبیات، علی‌رغم پیوند نزدیک با هم، دو مقوله گسترده‌ای هستند که با توجه به پیشرفت‌های روزافزون دانش و فناوری یک نفر نمی‌تواند ادعا کند که می‌تواند در آن واحد هم در حوزه زبان و هم در حوزه ادبیات کارهای بزرگ انجام دهد؛ وانگهی در حوزه آموزش زبان، پدیده دوزبانگی یا چندزبانگی پدیده مهمی است که متأسفانه آن‌گونه که باید و شاید

خود را در اختیار ما قرار دادید تشکر و قدردانی می‌نماییم و امیدواریم با کمک و راهنمایی شما بزرگواران بتوانیم از این فرصت، بیشترین بهره را در امر آموزش زبان فارسی ببریم.

لازم می‌دانیم به اطلاع شما عزیزان برسانیم که سازمان مرکزی پس از انتشار سه شماره از این مجله، کیفیت علمی آن را در شورای نشر مجلات علمی دانشگاه فرهنگیان کشور بررسی می‌کند و درباره فعالیت یا ارتقای آن به درجه علمی - پژوهشی تصمیم‌گیری می‌کند، بنابراین از شما استادان و صاحب‌نظران تقاضا داریم اکنون که به دلیل موقعیت خاص کشور، امکان برگزاری جلسات حضوری دشوار است، با تشویق همکاران، دوستان و دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی ما را در چاپ و نشر این مجله یاری بفرمایید. با این توضیح که اولویت چاپ مقاله در این مجله، موضوعات و مسائل مرتبط با آموزش زبان فارسی به کودکان، دانش‌آموزان و دانشجویان دو یا چندزبانه است؛ بنابراین مشکلات، محدودیت‌ها، رویکردها، روش‌ها و شیوه‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی به این گروه‌های زبانی در اولویت است.

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب الفبا

- ۱- دکتر مسعود آنگونه جونیانی استادیار دانشگاه اصفهان
- ۲- دکتر علی بازوند استادیار دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری
- ۳- دکتر حافظ حاتمی استادیار دانشگاه پیام نور
- ۴- دکتر محمد حکیم آذر دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد
- ۵- دکتر وحید خلیلی اردلی استادیار آموزش و پرورش دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری
- ۶- دکتر عبدالحسین خواجه‌لی استادیار دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری
- ۷- دکتر اصغر رضاپوریان استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد
- ۸- دکتر حمید رضایی دانشیار دانشگاه پیام نور استان
- ۹- دکتر اصغر شهبازی استادیار دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری
- ۱۰- دکتر جهانگیر صفری استاد تمام دانشگاه شهرکرد
- ۱۱- دکتر ابراهیم ظاهری عبده‌وند استادیار دانشگاه شهرکرد
- ۱۲- دکتر عبدالرضا فتاحی دهکردی استادیار دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری
- ۱۳- دکتر محمد نیکخواه استادیار دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری
- ۱۴- دکتر شهناز ولی‌پور استادیار دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری

شورای عالی انقلاب فرهنگی، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» (۵ مهر ۱۳۹۰)، ص ۳۸ و شورای عالی آموزش و پرورش، «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» (۲۸ شهریور ۱۳۹۱)، ص ۴۶.

بنابراین باید گفت که جامعه دوزبانه در ایران، یک اقلیت قابل چشم‌پوشی نیست و نیازمند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و امکانات مستقل و مخصوص به خود، در همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و از جمله در عرصه آموزش و پرورش است. از آنجاکه گام نخست تصمیم‌گیری در هر موضوع، داشتن تصویری روشن از جامعه هدف است، گروه زبان و ادبیات فارسی استان چهارمحال و بختیاری معتقد است که این مجله می‌تواند گام کوچکی در روشن کردن وضعیت یادگیری مهارت‌های زبانی در جامعه دوزبانه یا چندزبانه‌های ایران بردارد و به نوبه خود، بخشی از زیربنای نظری لازم برای تصمیم‌گیری کلان در زمینه آموزش دوزبانه‌های ایران را فراهم کند.

اهمیت صدور مجوز برای نشر این مجله، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم مرور سوابق موجود، نشان از مغفول ماندن جامعه دوزبانه‌ها و چندزبانه‌ها در حوزه مطالعات دوزبانگی و آموزش زبان فارسی به دو یا چندزبانه‌ها دارد.

مجلات و مقالات علمی - پژوهشی یکی از شاخص‌ها و معیارهای توسعه‌یافتگی علمی مراکز دانشگاهی است و امروزه پیشرفت‌های علمی کشورها را با مقالات علمی آن‌ها می‌سنجند. خوشبختانه در چند سال اخیر، شاخص مجلات علمی و مقالات علمی - پژوهشی در کشور ما رشد قابل‌ملاحظه و چشم‌گیری داشته و در تمام مراکز دانشگاهی توجه به این شاخص‌ها مورد تأکید مدیران، گروه‌های آموزشی، استادان و صاحب‌نظران است.

در همین راستا، دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری، به‌عنوان متولی امر تربیت معلم در استان و قطب رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه فرهنگیان، از سال ۱۳۹۴ به دنبال اخذ مجوز مجلات علمی - تخصصی یا علمی - پژوهشی بوده است. به‌ویژه اینکه دوره تحصیلات تکمیلی این دانشگاه به‌صورت تخصصی در گرایش آموزش زبان فارسی دایر است.

اکنون که با پیگیری مدیران پیشین، مدیریت محترم دانشگاه فرهنگیان، گروه زبان و ادبیات فارسی و استادان محترم و حمایت‌های بی‌دریغ معاون پژوهش و فناوری سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان کشور، با درخواست چاپ و انتشار مجله علمی - تخصصی آموزش زبان فارسی (با رویکرد آموزش زبان فارسی به کودکان دو یا چندزبانه) در دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری موافقت شده است؛ از همه شما اندیشمندان گرامی که عضویت در هیئت تحریریه این مجله را پذیرفتید و سوابق علمی ارزشمند



پنام (پیشنهادی به فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

حسین مسرت

پنام (panam) که در زبان پهلوی بدان: پدام، پندام و پنوم می‌گویند؛ به‌واقع، پارچه‌ای بوده است که آن را روی دهان گذاشته و با دو نوار پشت سر گره می‌زدند. این پارچه هنگامی به کار می‌رفته که موبد در برابر آتش مقدس قرار گرفته و یا در حال انجام مراسمی بوده که باید از آلودگی نفس و بخار دهان او برکنار باشد. (لغت‌نامه دهخدا)

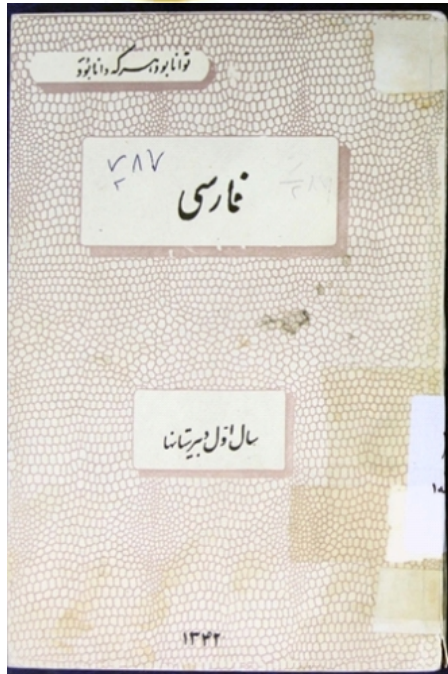
سال‌هاست که واژه بیگانه و فرانسوی «ماسک» (mask) در شغل‌هایی پرکاربرد می‌مانند: پزشکی، دندان‌پزشکی و برخی شغل‌های فنی مانند: جوشکاری و حتی ورزش شمشیربازی و هنر نمایش و غیره به کار می‌رود و چندان در میان توده مردم کاربردی نداشت تا اینکه با شیوع ویروس کوید ۱۹ (کرونا) و بایستگی استفاده از آن، در میان خرد و کلان مردم جامعه رواج یافت. از این رو ضرورت داشت که یادآور شویم که در زبان فارسی دو واژه «روبند» و «پنام» وجود دارد که واژه نخستین به معنای روسری، روبنده، برقع و برکه (گوش هرزگانی) و مانند آن بیشتر در مواقع حفظ حجاب به کار می‌رود. اما واژه «پنام» که هنوز هم در میان هم‌میهنان زرتشتی ما هم رایج است، دقیقاً همان کاربرد و شکل «ماسک» را دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود که این واژه زیبای فارسی از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی جایگزین آن گردد.

به اطلاع کلیه استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان عزیز می‌رساند مجله علمی-تخصصی آموزش زبان فارسی (با رویکرد آموزش زبان فارسی به کودکان و دانش‌آموزان دو یا چندزبانه) دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری در موضوعات زیر مقاله می‌پذیرد:

- ۱- نقد و بررسی مهم‌ترین نظریه‌های آموزش زبان به کودکان دو یا چندزبانه
- ۲- نقد و بررسی مهم‌ترین اصول حاکم بر برنامه زبان‌آموزی کودکان دو یا چندزبانه
- ۳- نقد و بررسی اهداف آموزش زبان فارسی به کودکان دو یا چندزبانه
- ۴- اصول گزینش و سازمان‌دهی محتوای برنامه زبان‌آموزی کودکان دو یا چندزبانه
- ۵- نقد و بررسی و معرفی مهم‌ترین شیوه‌ها، روش‌ها و رویکردهای آموزش زبان فارسی به کودکان دو یا چندزبانه
- ۶- انواع دو یا چندزبانگی در ایران یا استان چهارمحال و بختیاری
- ۷- ارائه مبانی نظری و عملی برنامه زبان‌آموزی در مناطق دو یا چندزبانه کشور
- ۸- نقد و بررسی مهم‌ترین کتاب‌های تألیف‌شده در حوزه آموزش زبان به کودکان دو یا چندزبانه در جهان و ایران
- ۹- مقایسه میزان یادگیری مهارت‌های زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) بین کودکان یک‌زبانه با کودکان دو یا چندزبانه در مناطق مختلف کشور
- ۱۰- اصول برنامه‌ریزی درسی و آموزشی برای کودکان دو یا چندزبانه

مقالات را مطابق با ساختار مقالات علمی-پژوهشی (داشتن چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بحث اصلی، نتیجه، فهرست منابع، چکیده انگلیسی، حداکثر ۲۰ صفحه/ ۷۰۰۰ کلمه) به نشانی زیر ارسال فرمایید:

l.t.cfu.ac@gmail.com



محدثه طاهری^۱

معرفی کتاب درسی - فارسی سال اول دبیرستان (۱۳۴۲ش)

کتاب‌شناسی

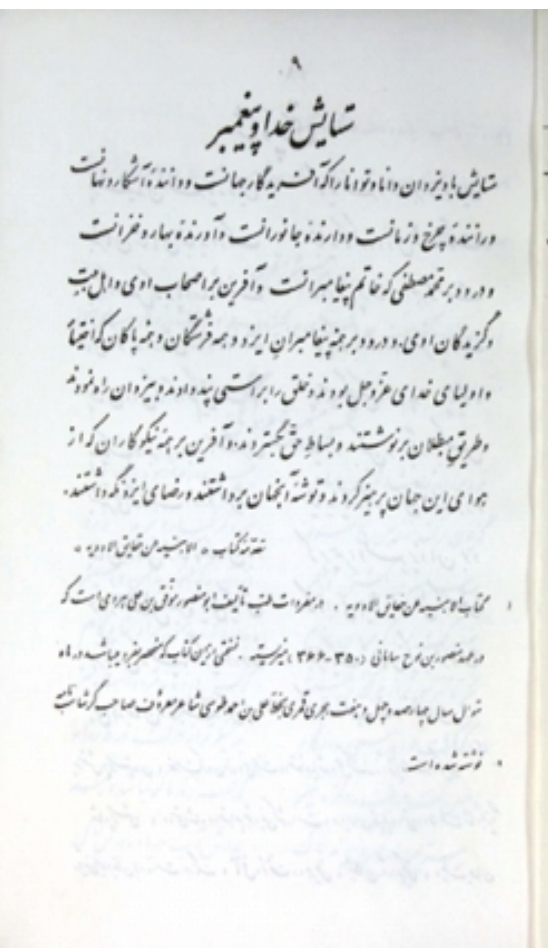
عنوان کتاب	فارسی
موضوع	آموزش متون نظم و نثر فارسی
نام مؤلفان	محمدتقی بهار، غلامرضا رشید یاسمی، بدیع الزمان فروزانفر، عبدالعظیم قریب، جلال همایی
نام تصویرگر	-
نام خطاط	-
سال تألیف	۱۳۴۲ ش
پایه، مقطع، رشته	اول، دبیرستان
ناشر و مشخصات چاپ	شرکت سهامی کتاب‌های درسی ایران

کتاب فارسی اول دبیرستان که در سال ۱۳۴۲ ش مبنای تدریس در این پایه قرار گرفت، به دستور وزارت فرهنگ و به همت جمعی از استادان و صاحب نظران تراز اول ادبیات فارسی، محمدتقی بهار، جلال‌الدین همایی، رشید یاسمی، بدیع الزمان فروزانفر و عبدالعظیم قریب به نگارش درآمد. آشنایی با متون کهن نظم و نثر فارسی محور اصلی کتاب است و مؤلفان اصرار وافری داشته‌اند که از نمونه‌های برگزیده آثار حماسی، تعلیمی و غنایی استفاده کنند. وجود متن‌های مختلف از شاهکارهای ادب فارسی مانند شاهنامه، قابوسنامه، سیاست‌نامه، ویس و رامین، هزار و یکشب، بوستان و گلستان سعدی، اسرارالتوحید، طبقات ناصری، جوامع الحکایات و چند کتاب کمتر شناخته شده چون الابنیه عن حقایق الادویه و آداب الحرب و الشجاعة بیانگر این است که نویسندگان علاوه بر کیفیت نوشتار، به پیام و محتوای آثار و تأثیر آن بر دانش‌آموزان هم عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و البته تعدد منابع استفاده شده باعث تنوع مضامین و محتوای کتاب نیز شده است. در پایان برخی درس‌ها معرفی کوتاهی از نویسنده اثر آمده و پرسش و تمرینی عمدتاً از محتوای مباحث درس مطرح شده است. این حسن انتخاب و تنوع در آثار و مضمون کتاب باعث نمونه‌برداری و استفاده از مضامین آن در کتاب‌های درسی فارسی سال‌های بعد و حتی پس از انقلاب اسلامی شده است. کتاب به خط نستعلیق تحریری و فاقد تصویر است علاوه بر این، صفحه‌آرایی مناسبی ندارد.

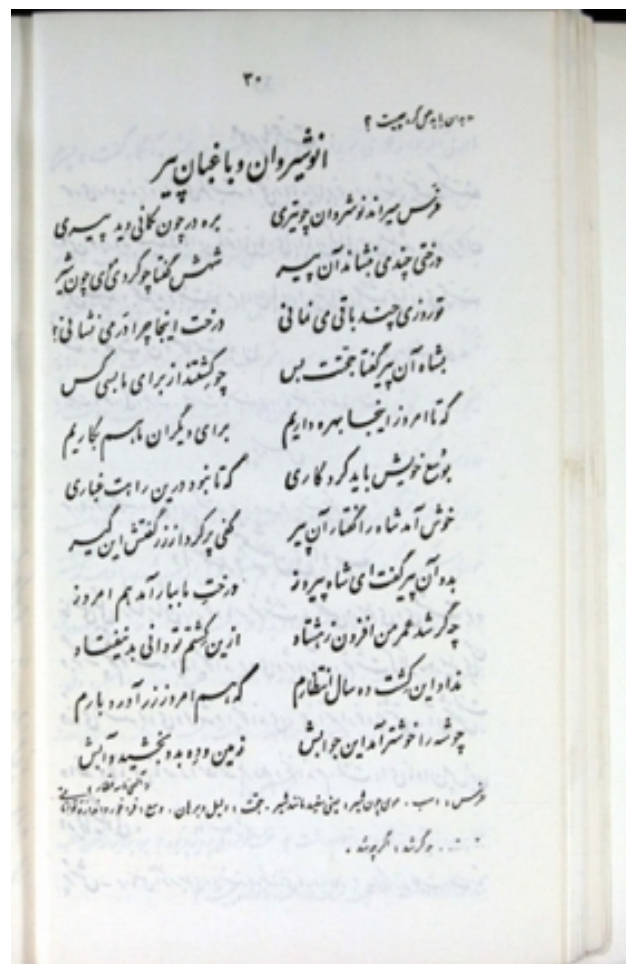
نسخه عکسی کتاب در وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی به این نشانی قابل دریافت است: <https://apll.ir/wp-content/uploads/2019/08/AZ-M-5-77.pdf>

ساختار کتاب

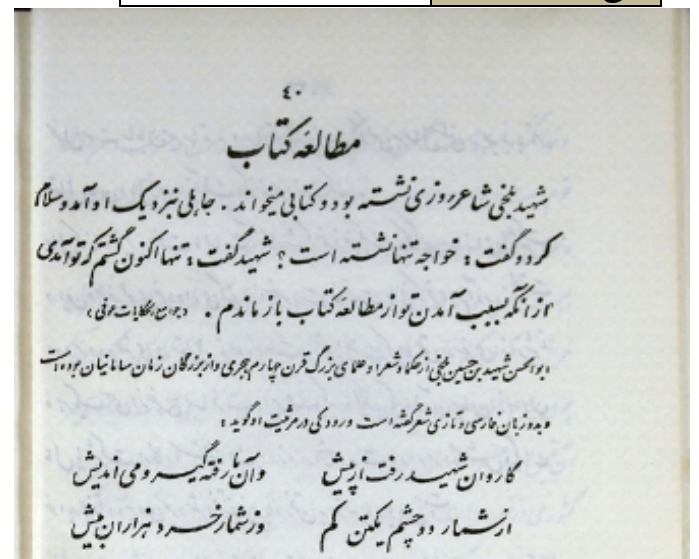
تعداد صفحه	۲۰۰ صفحه
متن کتاب	آموزش متون نظم و نثر فارسی
تمرین	دارد
واژه‌نامه	ندارد
نمایه	دارد
تصویر	ندارد
منابع	ندارد



صفحه ۹



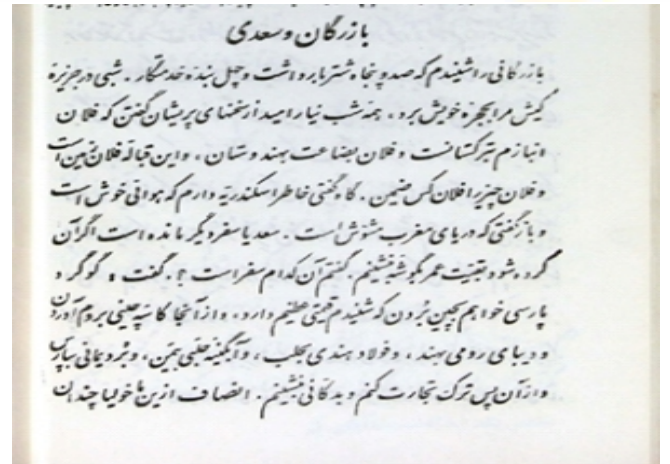
صفحه ۲۰



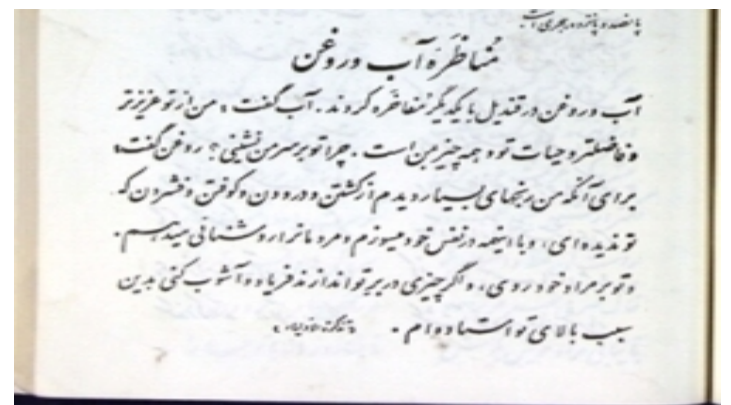
صفحه ۲۰

۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

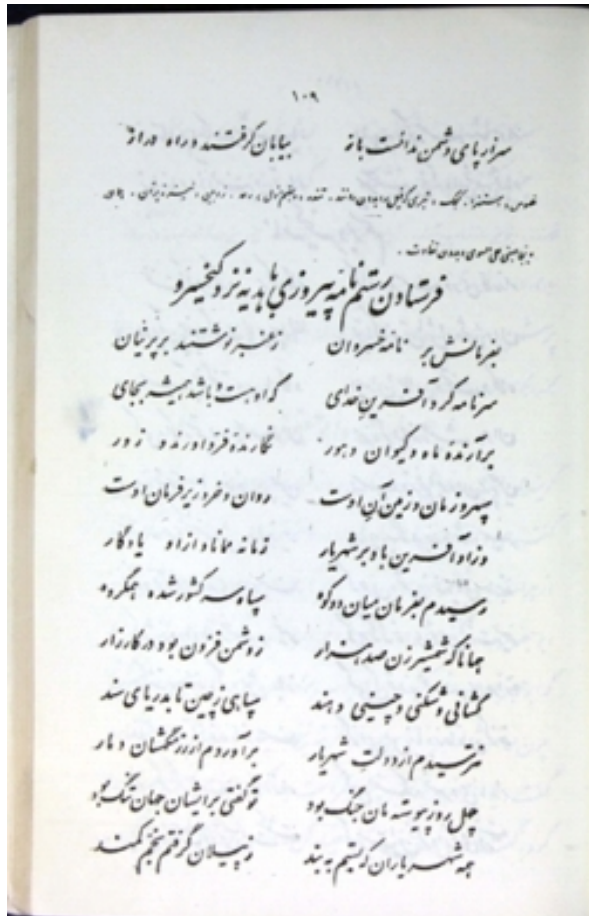
خبرنامه



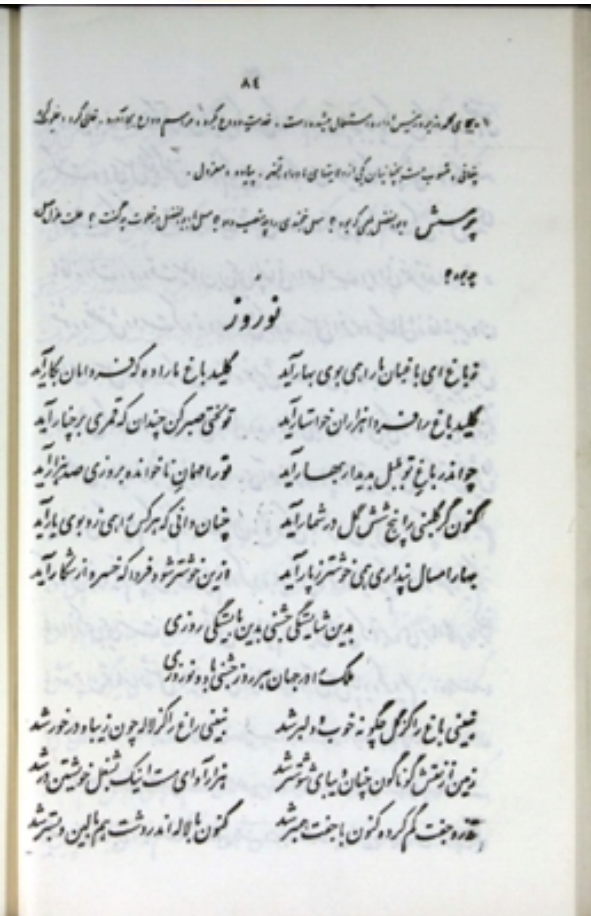
صفحه ۵۰



صفحه ۱۱۹



صفحه ۱۰۹



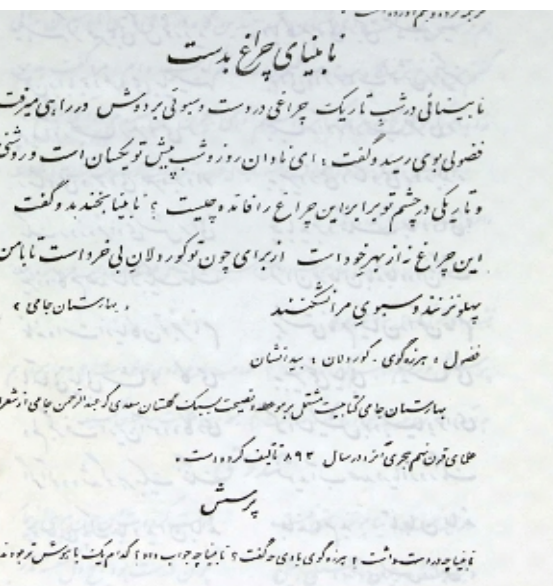
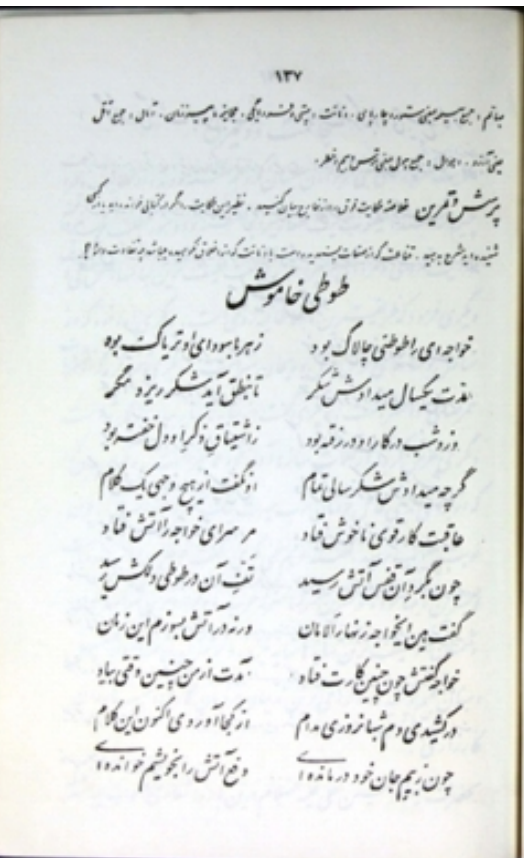
صفحه ۸۴

فهرست کتاب فارسی اول دبیرستان (۱۳۴۲ش):

۱. ستایش خدا و پیغمبر	۲۰. کرم و جوانمردی	۴۲. مردم‌داری	۶۳. پهلوان تن پرور
۲. شاه پرستی	۲۱. بازرگان و سعدی	۴۳. زیرکی بشر	۶۴. دوستی میهن
۳. عشق میهن و مردانگی	۲۲. ادب و نیکو خدمتی در حضور پادشاه	۴۴. نخستین جنگ رستم در میدان	۶۵. بزرگمهر و استاد او
۴. کوشش و کار	۲۳. شمشیر	۴۵. شاه عادل مایه لطف است	۶۶. فتح شهر آمد
۵. در ستایش ایران و ایرانیان	۲۴. آبادی ایران از دادگری انوشیروان	۴۶. حمله رستم بر سپاه خاقان	۶۷. وظیفه ملی
۶. حق‌گزاری پدر و مادر	۲۵. نکوهش عیب‌جویی	۴۷. عمرو لیث و ابوجعفر زیدویه	۶۸. ملک پرویز و بارید
۷. نام و ننگ	۲۶. مذمت شراب‌خواری	۴۸. همت بلند	۶۹. گرب × فریبکار و موش
۸. نایب‌نای چرخ به دست	۲۷. مور و زنبور	۴۹. تشویق به مساعدت و همراهی	فریب‌خوار
۹. فداکار	۲۸. شاپور ذوالاکتاف	۵۰. تشویق به مساعدت و همراهی	۷۰. خسرو پرویز و صیاد
۱۰. انوشیروان و باغبان پیر	۲۹. امانت‌داری طرار	۵۱. راستی رستی نیکو مثلی است	۷۱. کلنگ و شاهباز
۱۱. عزت نفس	۳۰. سپاس دل‌مادر	۵۲. حکایت بهرام گور	۷۲. فرهنگ و ادب
۱۲. امید و شادکامی	۳۱. نمونه‌ای از جانبازی در راه میهن	۵۳. خطیب بدآواز	۷۳. حسن ادب
۱۳. ستوده دانایان باش	۳۲. طریق بزرگی و کامیابی	۵۴. نشانه خردمندی	۷۴. بزرگمهر و استاد او
۱۴. آیین پرستیدن شاه	۳۳. پیر خارکش	۵۵. وظیفه سربازی	۷۵. آداب سخن گفتن
۱۵. باج و خراج	۳۴. سود کوشش و زبان تن‌آسایی	۵۶. نکوهش اردشیر اسکندر را	۷۶. میهن پرستی
۱۶. اطاعت پادشاه	۳۵. کرم و جوانمردی حاتم	۵۷. شیخ ابوسعید و ابوعلی سینا	۷۷. از سخنان انوشیروان
۱۷. نظام وظیفه در زمان اردشیر بابکان	۳۶. مردم پارس	۵۸. علو همت	۷۸. خصال پادشاهان ایران
۱۸. فایده پیشه و هنر	۳۷. جان و مروت پادشاه	۵۹. طوطی خاموش	۷۹. گناهکار نیک‌فرجام
۱۹. جدوجهد	۳۸. آیین شاهان ایران	۶۰. شجاعت و دلیری	۸۰. سخنان حکیمانه
	۳۹. حسن تدبیر	۶۱. باید کار کرد و سود به مردم	دیوجانس حکیم یونانی
	۴۰. نوروز	رسانید	۸۱. حکایت
	۴۱. فایده عمل کردن به نصیحت	۶۲. رهرو راست سرشت	

صفحه ۱۳۷

صفحه ۱۸



نشانی رسانه‌های مجازی

فاطمه نیک‌خواه^۱

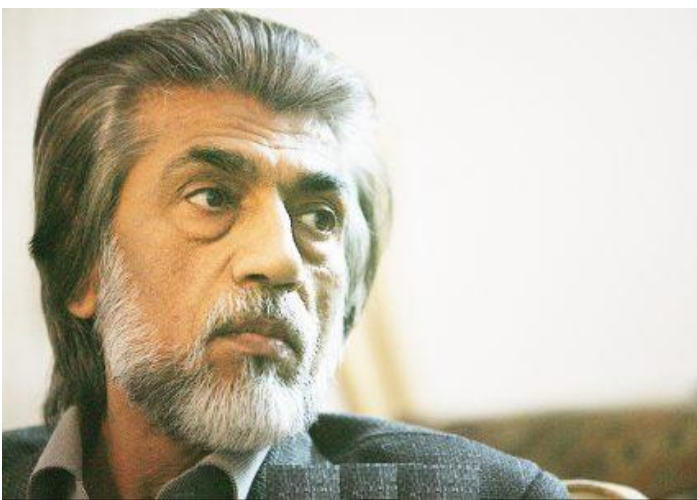
فرهنگستان زبان و ادب فارسی	
https://apll.ir/	وبگاه
https://telegram.me/theapll	کانال تلگرام
https://t.me/s/xabarname	کانال تلگرام خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی
چشم‌وچراغ: پژوهشگران گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی	
t.me/cheshmocheragh	کانال تلگرام
cheshmocheragh	اینستاگرام
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	
http://www.ihcs.ac.ir/fa	وبگاه
https://telegram.me/ihcss	کانال تلگرام
سازمان اسناد و کتابخانه ملی	
http://www.nlai.ir/	وبگاه
https://www.instagram.com/nlai_ir/	اینستاگرام
بنیاد سعدی	
https://saadifoundation.ir/fa	وبگاه
https://telegram.me/theapll	کانال تلگرام
انجمن مفاخر و آثار فرهنگی	
http://anjom.ir/	وبگاه
https://goldchannels.ir	کانال تلگرام
https://www.instagram.com/anjomanasarmafakher2/	اینستاگرام

^۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

پایگاه خبری رب	
https://rabnews.ir/	وبگاه
https://t.me/Rabnews	کانال تلگرام
https://www.instagram.com/rabnews/	اینستاگرام
خانه اندیشمندان علوم انسانی	
http://khaneandishmandan.ir/	وبگاه
https://telegram.me/iranianhht	کانال تلگرام
https://www.instagram.com/iranianhht.ir/	اینستاگرام
مرکز فرهنگی شهر کتاب	
http://www.bookcity.org/	وبگاه
t.me/bookcitycc	کانال تلگرام
مجله فرهنگی و هنری بخارا	
http://bukharamag.com/	وبگاه
t.me/bukharamag	کانال تلگرام
https://www.instagram.com/bukharamag/	اینستاگرام
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب	
http://www.mirasmaktoob.ir/fa/contactus	وبگاه
t.me/mirasmaktoob	کانال تلگرام
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	
https://library.ut.ac.ir/	وبگاه
https://telegram.me/UT_Central_Library	کانال تلگرام

کلاس انشا

قیصر امین پور
(۲ اردیبهشت ۱۳۳۸ - ۸ آبان ۱۳۸۶)



صبح یک روز نوبهاری بود
روزی از روزهای اول سال
بچه‌ها در کلاس جنگل سبز
جمع بودند دور هم، خوشحال

بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند
باز هم در کلاس غوغا بود
هر یکی برگ کوچکی در دست
باز انگار زنگ انشا بود

تا معلم ز گرد راه رسید
گفت با چهره‌ای پر از خنده:
باز موضوع تازه‌ای داریم
«آرزوی شما در آینده»

شب‌نم از روی برگ گل برخاست
گفت: «می‌خواهم آفتاب شوم
ذره‌ذره به آسمان بروم
ابر باشم، دوباره آب شوم»

دانه آرام بر زمین غلتید
رفت و انشای کوچکش را خواند
گفت: «باغی بزرگ خواهم شد
تا ابد سبز سبز خواهم ماند»

غنچه هم گفت: «گرچه دلتنگم
مثل لبخند باز خواهم شد
با نسیم بهار و بلبل باغ
گرم راز و نیاز خواهم شد»

.....
زنگ تفریح را که زنجره زد
باز هم در کلاس غوغا شد
هر یک از بچه‌ها به سویی رفت
و معلم دوباره تنها شد

با خودش زیر لب چنین می‌گفت:
«آرزوهایتان چه رنگین است!
کاش روزی به کام خود برسید!
بچه‌ها، آرزوی من این است!»

ترجمه

بارگذاری کتاب‌های درسی قدیمی در وبگاه فرهنگستان

۱۰۰ عنوان کتاب‌های درسی قدیمی فارسی
اهدایی به

گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی
در وبگاه فرهنگستان
بارگذاری شد و

در نشانی زیر قابل بارگیری است:

<https://apll.ir/درسی>

